

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از قلم تا محکمه

تکنیک‌های علمی و عملی نگارش دادخواست حرفه‌ای

وحید فقهی محمدی

وکیل پایه یک دادگستری و مدرس دانشگاه



سرشناسه: فقیهی محمدی، وحید، ۱۳۶۵-

عنوان قراردادی: ایران. قوانین و احکام
Iran. Laws, etc

عنوان و نام پدیدآور: از قلم تا محکمه: تکنیک‌های علمی و عملی نگارش دادخواست حرفه‌ای/نویسنده وحید فقیهی محمدی؛
ویراستار نگار افتخار.

مشخصات نشر: تهران: دادبانان دانا؛ ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری: ۴۲۳ ص.

شابک: ۳-۵-۸۷۹۷۳-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۲۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: تکنیک‌های علمی و عملی نگارش دادخواست حرفه‌ای.

موضوع: دادخواست (آیین دادرسی جزایی) -- ایران -- فرم‌ها

Complaints (Criminal procedure) -- Iran -- Forms, blanks, etc

دادخواست (آیین دادرسی مدنی) -- ایران -- فرم‌ها

Complaints (Civil procedure) -- Iran -- Forms, blanks, etc

دعاوی -- فرم‌ها و پرسش‌نامه‌ها

Claims -- Forms

رده بندی کنگره: ۹الف/۱۰/۱۷۱۰ KMH

رده بندی دیویی: ۳۴۷/۵۵۰۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۱۷۵۷۵۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

عنوان کتاب: از قلم تا محکمه؛ تکنیک‌های علمی و عملی نگارش دادخواست حرفه‌ای

نویسنده: وحید فقیهی محمدی

ویراستار: نگار افتخار

صفحه‌آرایی: فاطمه یآوری نیا

ناشر: انتشارات دادبانان دانا

نوبت و سال چاپ: دوم - ۱۴۰۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شماره استاندارد بین‌المللی کتاب (شابک): ۳-۵-۸۷۹۷۳-۶۲۲-۹۷۸

International Standard Book Number (ISBN): 978-622-87973-3-5



مرکز پخش:

تهران- پاسداران- خیابان شهید کلاهدوز- بین دیباجی و یار محمدی- نیش حافظ- ساختمان

بانک اقتصاد نوین- پلاک ۱- طبقه ۱- واحد ۳

تلفن: ۰۲۱-۲۲۵۸۴۹۰۰

خرید کتاب با تخفیف ویژه از سایت اینترنتی: dadbanandana.com



برای اطلاع از قیمت کتاب، لطفاً کیوارکد مقابل را اسکن کنید.<<

هرگونه الگوبرداری از سبک و سیاق، تکثیر و یا چاپ (حتی عرضه در فضای مجازی) کل یا قسمتی از کتاب‌های انتشارات دادبانان دانا بدون اجازه کتبی ناشر شرعاً حرام و قانوناً ممنوع است و متخلف براساس قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست مطالب

۱۸.....	مقدمه
۲۱.....	بخش نخست: نکات کلیدی پیش از تنظیم دادخواست (عملیات مقدماتی)
۲۲.....	فصل نخست: اقدامات غافلگیرانه (تأمین خواسته و دستور موقت)
۲۳.....	گفتار نخست: تأمین خواسته (کمین حقوقی)
....	بند نخست: حمله ضربتی یا جایگزینی خواسته اصلی با تأمین خواسته (تغییر استراتژی از پیش طراحی شده)
۲۴.....
۲۸.....	بند دوم: استفاده از تأمین خواسته به عنوان اهرم فشار (اقدام ایذائی)
.....	بند سوم: اهمیت توقیف سریع و گزینش میان تأمین خواسته و سایر روش های احقاق حق برای خواهان (سرعت عمل و تعیین استراتژی)
۳۴.....
۳۷.....	بند چهارم: نکات ناظر به خسارت احتمالی در تأمین خواسته (تأمین بودجه نبرد)
۴۴.....	گفتار دوم: دستور موقت (جنگ نامتقارن)
۴۴.....	بند نخست: تبعات عدم توجه به دستور موقت (نوشدارو بعد از مرگ سهراب)
۴۶.....	بند دوم: تجدید درخواست دستور موقت (تکرار حمله)
۴۷.....	بند سوم: تبیین فوریت امر در دادخواست (دیپلماسی متقاعدسازی)
۴۸.....	بند چهارم: دستور موقت و نهادهای مشابه (سایر اقدامات تأمینی)
۵۰.....	بند پنجم: جایگزینی خواسته اصلی در دستور موقت (تغییر استراتژی با برنامه ریزی قبلی)
۵۲.....	فصل دوم: ایمن سازی سلاح های مورد استفاده خواهان (تأمین دلیل)
۵۲.....	گفتار نخست: فلسفه اولیه (ایمن سازی مستندات)
۵۴.....	گفتار دوم: بهره برداری ثانویه (تعیین میزان خواسته)
۵۶.....	فصل سوم: اولتیماتوم پیش از نبرد (اظهارنامه)

۵۶.....	گفتار نخست: موارد اجباری (آگاه سازی با اهرم قانون)
۵۶.....	بند نخست: تعیین داور.....
۵۷.....	بند دوم: فسخ قرارداد.....
۵۸.....	بند سوم: مطالبه هزینه های ساختمان.....
۵۸.....	بند چهارم: دعوی تصرف عدوانی علیه امین.....
۵۸.....	بند پنجم: دعوی تخلیه عین استیجاری به لحاظ عدم پرداخت اجاره بها.....
۵۹.....	بند ششم: اظهارنامه موضوع ماده ۱۲۹ قانون تجارت.....
۵۹.....	بند هفتم: اظهارنامه موضوع ماده ۹ قانون نحوه واگذاری مالکیت و اداره امور شهرک های صنعتی.....
۵۹.....	بند هشتم: سایر موارد.....
۶۰.....	گفتار دوم: موارد اختیاری (آگاه سازی بر اساس مصلحت اندیشی).....
۶۰.....	بند نخست: تعیین مبدأ خسارت تأخیر تأدیه.....
۶۳.....	بند دوم: تلاش جهت اخذ اقرار.....
۶۴.....	بند سوم: اعلام آمادگی جهت ایفای تعهد.....
۶۸.....	فصل چهارم: مقوله صلاحیت (میدان نبرد).....
۶۹.....	گفتار نخست: صلاحیت ذاتی (ساحت نزاع).....
۷۰.....	بند نخست: تعیین مرجع صالح از حیث صلاحیت ذاتی (مراجع قضایی استثنایی یا غیرقضایی).....
۷۵.....	بند دوم: تردید در خصوص صلاحیت دیوان عدالت اداری.....
۷۷.....	بند سوم: تأثیر شرط داوری بر صلاحیت مرجع قضایی.....
۸۱.....	بند چهارم: ذاتی بودن صلاحیت دادگاه خانواده نسبت به دادگاه حقوقی.....
۸۲.....	بند پنجم: بررسی صلاحیت دادگاه صلح.....
۹۶.....	گفتار دوم: صلاحیت محلی (محل نزاع).....
۹۷.....	بند نخست: امکان انتخاب مرجع صالح (تعیین محل مناقشه).....
۱۱۱.....	بند دوم: تفکیک خواسته تأمینی از خواسته اصلی از حیث مرجع رسیدگی کننده (استراتژی نبرد نامنظم).....
۱۱۳.....	فصل پنجم: طرح دعوا مقدماتی (زورآزمایی اولیه).....
۱۱۴.....	گفتار نخست: موارد اجباری (عملیات شناسایی).....
۱۱۶.....	گفتار دوم: موارد اختیاری (آتش بس ارادی).....

- بند نخست: تغییر استراتژی (تاکتیک نبرد متحرک)..... ۱۱۶.....
- بند دوم: سنجش ادله طرف مقابل و استرداد دعوا (شناسایی استراتژی طرف دیگر منازعه)..... ۱۱۷.....
- بند سوم: استراتژی آتش بس موقت به قصد حمله مجدد..... ۱۱۸.....
- فصل ششم: بررسی ادله طرفین (ادوات جنگی طرفین مناقشه)..... ۱۱۸.....
- گفتار نخست: تعریف دلیل و شناسایی آن..... ۱۱۹.....
- گفتار دوم: نحوه اخذ اظهارات و امکان سنجی منطقی (شناسایی انگیزه پنهان جهت جلوگیری از غافلگیری)..... ۱۲۰.....
- بند نخست: اطلاعات لایه اول (نکات کلیدی)..... ۱۲۱.....
- بند دوم: اطلاعات لایه دوم (نکات مرتبط)..... ۱۲۲.....
- بند سوم: اطلاعات لایه سوم (نکات {به ظاهر} غیرمرتبط)..... ۱۲۳.....
- گفتار سوم: نحوه اخذ اظهارات و کسب اطلاعات لازم (نبرد اطلاعاتی)..... ۱۲۶.....
- گفتار چهارم: اهمیت دلیل و بار دلیل (دفاع باز یا بسته)..... ۱۲۷.....
- گفتار پنجم: توان اثباتی ادله (قدرت جنگ افزار طرفین)..... ۱۳۱.....
- بند نخست: دعاوی ملکی..... ۱۳۲.....
- بند دوم: دعاوی خانوادگی..... ۱۳۳.....
- بند سوم: دعاوی مالی..... ۱۳۳.....
- بند چهارم: دعوا علیه ظهرنویس سند تجاری..... ۱۳۵.....
- بند پنجم: دعوا علیه صادرکننده چک صیادی ثبت نشده در سامانه..... ۱۳۶.....
- گفتار ششم: زمان استناد به ادله (لحظه فشردن ماشه)..... ۱۳۸.....
- بند نخست: قاعده عمومی زمان استناد به ادله و اهمیت آن..... ۱۳۹.....
- بند دوم: رویه قضایی..... ۱۳۹.....
- گفتار هفتم: انواع ادله (شناخت جنگ افزارها)..... ۱۴۴.....
- بند نخست: ادله از پیش تهیه شده و ادله اتفافی..... ۱۴۴.....
- بند دوم: دلایل آشکار و نهان..... ۱۴۷.....
- گفتار هشتم: بررسی موردی دلیل (نکات ناظر به جنگ افزارها)..... ۱۴۸.....
- بند نخست: اقرار (خودزنی)..... ۱۴۸.....

بند دوم: سند (نقشه راه).....	۱۴۹
بند سوم: شهادت (ثالث غیر متعهد).....	۱۵۱
بند چهارم؛ امارات: قانونی - قضایی (جنگ روانی).....	۱۵۳
بند پنجم: سوگند (سنگر نهایی).....	۱۵۳
بند ششم: کارشناسی (استفاده از تکنیسین).....	۱۵۴
بند هفتم: معاینه و تحقیق محلی (بازگشت به محل تنازع).....	۱۵۶
بخش دوم: نکات کلیدی در زمان تنظیم دادخواست (تعیین نقشه راه).....	۱۵۷
فصل نخست: دادخواست، انواع و آثار آن.....	۱۵۹
گفتار نخست: مفهوم دادخواست.....	۱۵۹
گفتار دوم: انواع دادخواست.....	۱۵۹
گفتار سوم: آثار دادخواست.....	۱۶۰
گفتار چهارم: شرایط دادخواست.....	۱۶۱
بند نخست: شرایطی که فقدان آن سبب می‌گردد سند تقدیمی دادخواست نباشد.....	۱۶۱
بند دوم: شرایطی که فقدان آن سبب صدور قرار رد فوری دادخواست می‌گردد.....	۱۶۲
بند سوم: شرایطی که فقدان آن سبب می‌گردد اخطار رفع نقص برای خواهان صادر گردد.....	۱۶۲
فصل دوم: خواهان (آغازگر نبرد).....	۱۶۳
گفتار نخست: تعریف، شناسایی و ویژگی‌های خواهان.....	۱۶۳
بند نخست: تعریف خواهان.....	۱۶۳
بند دوم: شناسایی خواهان.....	۱۶۴
بند سوم: ویژگی‌های خواهان (مولفه‌های لازم برای حضور در نبرد).....	۱۶۵
گفتار دوم: طرح دعوا از سوی خواهان‌های متعدد (بلوک خواهان‌ها؛ نبرد از سوی متحدین).....	۱۷۵
گفتار سوم: تأثیر ایفای تعهدات خواهان بر دعوا (حسن نیت آغازگر نبرد).....	۱۸۰
گفتار چهارم: ملاحظات در مورد تعرفه خواهان (شناساندن صحیح طرف جنگ).....	۱۸۷
گفتار پنجم: بررسی موارد خاص.....	۱۸۸
فصل سوم: خواننده (دشمن).....	۱۸۸
گفتار نخست: تعریف و ویژگی‌های خواننده (معرفی طرف جنگ).....	۱۸۹

۱۸۹.....	گفتار دوم: شناسایی خواننده حقیقی و نکات آن.....
۱۸۹.....	بند نخست: اهمیت شناسایی دقیق خواننده و امکان تصحیح رأی در فرض اشتباه (ضرورت شناسایی دشمن و امکان جبران مافات).....
۱۹۱.....	بند دوم: حجر خواننده.....
۱۹۶.....	بند سوم: فوت خواننده.....
۲۰۲.....	بند چهارم: خواننده در دعاوی طاری.....
۲۰۵.....	بند پنجم: ورشکستگی خواننده.....
۲۰۷.....	بند ششم: عدم شناسایی خواننده.....
۲۰۸.....	گفتار سوم: شناسایی خواننده حقوقی و نکات ناظر به آن (عملیات شناسایی).....
۲۱۰.....	بند نخست: شناسایی خواننده حقوقی.....
۲۲۴.....	بند دوم: اقامتگاه شخص حقوقی.....
۲۲۷.....	گفتار چهارم: اصل احتیاط در فراخواندن اشخاص به دادرسی و استثنائات آن (تئوری برخورد با دشمنان فرضی و احتمالی).....
۲۲۷.....	بند نخست: اصل احتیاط در فراخواندن اشخاص به دادرسی.....
۲۲۹.....	بند دوم: استثنائات.....
۲۳۲.....	گفتار پنجم: ضرورت طرح دعوا علیه اشخاص بی ارتباط با دعوا (نبرد نیابتی با اشخاص غیرمتعهد).....
۲۳۲.....	بند نخست: فرض تعاقب ایادی.....
۲۳۳.....	بند دوم: فرض طرح دعوی مرتبط با ملک مشاع.....
۲۳۵.....	بند سوم: فرض وجود مسئولیت تضامنی.....
۲۳۶.....	بند چهارم: فرض وجود نماینده و اصیل.....
۲۳۷.....	فصل چهارم: سمت دادخواست دهنده (وکیل یا نماینده قانونی؛ جنگ نیابتی).....
۲۳۷.....	گفتار نخست: تعریف سمت و ضمانت اجرای عدم احراز آن.....
۲۴۱.....	گفتار دوم: انواع نمایندگی.....
۲۴۱.....	بند نخست: نماینده قانونی.....
۲۴۱.....	بند دوم: نماینده قضایی.....
۲۴۲.....	بند سوم: نماینده قراردادی.....

- گفتار سوم: نکات ناظر به نماینده حقوقی اشخاص حقوقی ۲۴۳
- بند نخست: نماینده حقوقی نهادهای دولتی و عمومی (بررسی ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی) ۲۴۳
- بند دوم: نماینده حقوقی اشخاص حقوقی حقوق خصوصی (بهره‌مندی از نماینده؛ فرصت یا تهدید؟) ۲۴۵
- گفتار چهارم: وکیل، موکل، وکالتنامه و نکات کاربردی آن ۲۴۹
- بند نخست: شناسایی وکیل و موکل (شناسایی اصیل و نماینده ذیصلاح برای جنگ) ۲۴۹
- بند دوم: اصل ضرورت ارائه وکالتنامه الکترونیک و استثنائات آن ۲۵۱
- بند سوم: اصل حضور وکیل دادگستری در مرجع قضایی ۲۵۶
- بند چهارم: نکات ناظر به تمبر مالیاتی وکالتنامه (خراج استفاده از متخصص در منازعه) ۲۵۸
- بند پنجم: اخذ وکالت از اشخاص حقوقی ۲۶۲
- فصل پنجم: تعیین خواسته و بهای آن (مدعا به و قیمت تعیینی و تکلیفی) ۲۷۱
- گفتار نخست: قواعد عمومی حاکم بر تعیین خواسته ۲۷۲
- بند نخست: قواعد حاکم بر انتخاب، میان خواسته حقوقی و شکایت کیفری (نبرد چند بُعدی) ۲۷۲
- بند دوم: قواعد حاکم بر خواسته‌های طولی و عرضی (عملیات مقدماتی برای پیروزی نهایی) ۲۷۳
- بند سوم: قواعد حاکم بر متفرعات دعوا (دریافت هزینه‌های جنگ از دادباخته) ۲۸۲
- بند چهارم: قواعد حاکم بر مطالبه خسارت تاخیر تادیه ۲۸۴
- گفتار دوم: ملاحظات ناظر بر تعیین خواسته ۲۹۷
- بند نخست: ملاحظات اقتصادی (مبنای اقتصادی تصمیم) ۲۹۷
- بند دوم: ملاحظات زمانی هنگام تقدیم دادخواست (مبانی مبتنی بر زمان) ۳۰۵
- بند سوم: ملاحظات ترمینولوژیک (تبیین خواسته) ۳۰۸
- بند چهارم: تحقیقات میدانی ۳۰۹
- گفتار سوم: خواسته‌ها و اقدامات مقدماتی، انتخاب میان خواسته‌های دوگانه ۳۱۰
- بند نخست: خواسته‌ها و اقدامات مقدماتی ۳۱۰
- بند دوم: انتخاب میان خواسته‌های دوگانه ۳۱۲
- گفتار چهارم: ویژگی‌های خواسته صحیح ۳۱۶
- بند نخست: تنجیز (قطعیت) ۳۱۶
- بند دوم: وضوح (قابلیت فهم ساده) ۳۱۷

- بند سوم: ترمینولوژی صحیح (انتخاب واژگان مناسب)..... ۳۱۸
- بند چهارم: مطابقت خواسته با شرح دادخواست (عدم دوگانگی)..... ۳۱۸
- بند پنجم: لحاظ نمودن خسارات (استرداد هزینه‌های پرداختی)..... ۳۱۹
- بند ششم: توصیف صحیح (تعرفه اسباب خواسته)..... ۳۱۹
- بند هفتم: جامع بودن (توجه به همه جنبه‌های موضوع)..... ۳۲۰
- بند هشتم: امکان صدور حکم در مورد خواسته (امکان منطقی و قانونی)..... ۳۲۰
- بند نهم: پرهیز از مُغلق (پیچیده) گویی..... ۳۲۱
- گفتار پنجم: اشتباهات رایج در تعیین خواسته..... ۳۲۳
- بند نخست: بیان خواسته‌های کلی..... ۳۲۳
- بند دوم: تعیین خواسته ناقص..... ۳۲۳
- بند سوم: تعیین عنوان نادرست در موارد مشابه..... ۳۲۴
- بند چهارم: عدم توجه به مهلت‌های قانونی..... ۳۲۵
- بند پنجم: طرح دعاوی متعدد بدون منشاء واحد ضمن یک دادخواست..... ۳۲۸
- بند ششم: تعیین خواسته اصلی به عنوان خواسته دستور موقت..... ۳۲۸
- بند هفتم: تعیین خواسته‌های غیرترافعی..... ۳۲۹
- بند هشتم: اشتباه در دعاوی ناظر به بطلان و انحلال قرارداد..... ۳۳۰
- بند نهم: درج خواسته در ستون شرح دادخواست..... ۳۳۱
- بند دهم: درج موارد مستلزم تقدیم درخواست در قالب دادخواست..... ۳۳۱
- بند یازدهم: نادیده انگاشتن قواعد عمومی قراردادها در فسخ قرارداد..... ۳۳۳
- بند دوازدهم: بیان اسباب متعدد برای خواسته واحد..... ۳۳۴
- گفتار ششم: بهای خواسته (قیمت مدعا به)..... ۳۳۶
- بند نخست: انواع دعاوی و هزینه دادرسی آن..... ۳۳۶
- بند دوم: انواع بهای خواسته..... ۳۳۷
- گفتار هفتم: شرح دادخواست (تبیین حقیقت ماجرا)..... ۳۴۱
- بند نخست: اهمیت ستون شرح دادخواست..... ۳۴۱
- بند دوم: لایه منطقی و احساسی در شرح دادخواست (بُعد منطقی و روانی ماجرا)..... ۳۴۲

۳۴۵.....	بند سوم: اصول نگارش شرح دادخواست.....
۳۵۱.....	بخش سوم: نکات کلیدی پس از تنظیم دادخواست (اقدامات لازم پس از شروع نبرد).....
۳۵۲.....	فصل نخست: اصلاح دادخواست (عملیات ترمیمی).....
۳۵۲.....	گفتار نخست: اصلاح پیش از ارسال به مرجع قضایی (ترمیم پیشینی؛ اصلاح در مرکز فرماندهی).....
۳۵۴.....	گفتار دوم: اصلاح پس از ارسال و پیش از ارجاع (ترمیم پسینی؛ اصلاح در میدان نبرد).....
۳۵۵.....	گفتار سوم: نکات ناظر به ارجاع.....
۳۵۵.....	بند نخست: لزوم پیگیری در مواردی که خواسته خواهان در بردارنده امور تأمین است (پیگیری در ارجاع).....
۳۵۶.....	بند دوم: نحوه چیدمان خواندگان در دادخواست (تعیین مرتبه اطراف نبرد).....
۳۵۶.....	بند سوم: ضرورت تأکید بر اجرای قانون.....
۳۵۷.....	بند چهارم: افزودن خواندگان جدید (فراخوانی شخص ثالث به جنگ).....
۳۵۷.....	بند پنجم: تقاضای ارجاع یا عدم ارجاع پرونده به شعبه‌ای خاص.....
۳۵۸.....	بند ششم: استفاده از ظرفیت ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی (تبدیل چند منازعه به منازعه واحد).....
۳۵۸.....	گفتار چهارم: نکات ناظر به وقت رسیدگی (تعیین زمان درگیری).....
۳۵۸.....	بند نخست: بررسی ضرورت وقت رسیدگی نزدیک.....
۳۵۹.....	بند دوم: وقت خارج از نوبت در موارد قانونی.....
۳۵۹.....	بند سوم: وقت ابطال شده.....
۳۶۰.....	بند چهارم: تجدید وقت غیرمنتسب به اصحاب دعوا.....
۳۶۰.....	گفتار پنجم: ترمیم دادخواست در جریان رسیدگی.....
۳۶۰.....	بند نخست: افزایش خواسته، تغییر خواسته، تغییر نحوه دعوا و شرایط آن.....
۳۶۳.....	بند دوم: آثار افزایش خواسته، تغییر خواسته، تغییر نحوه دعوا و شرایط آن.....
۳۶۵.....	بند سوم: دعوای تقابل (پاتک؛ اقدام تلافی جویانه).....
۳۶۷.....	بند چهارم: دعوای جلب ثالث (فراخوانی شخص ثالث به جنگ).....
۳۶۹.....	بند پنجم: استرداد دعوا (آتش بس یک طرفه یا استراتژی عقب نشینی تاکتیکی).....
۳۷۲.....	فصل دوم: دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم (دعوای حقوقی در مرجع کیفری).....
۳۷۳.....	گفتار نخست: مقدمات.....

گفتار دوم: شرایط اقامه دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه کیفری (مولفه‌های لازم برای طرح دعوا).....	۳۷۴
گفتار سوم: مصادیقی که در آن تقدیم دادخواست ضرورتی ندارد (استرداد مال با دستور مقنن).....	۳۷۸
گفتار چهارم: هزینه دادرسی در دعوی مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم (بودجه).....	۳۸۰
گفتار پنجم: دعوی ضرر و زیان در فرض طرح مستقیم شکایت در دادگاه کیفری.....	۳۸۲
گفتار ششم: وضعیت دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه کیفری.....	۳۸۲
بند نخست: تقدیم دادخواست ضرر و زیان به دادگاه کیفری پس از طرح شکایت.....	۳۸۲
بند دوم: طرح دعوی مطالبه ضرر و زیان در دادگاه حقوقی.....	۳۸۳
گفتار هفتم: تصمیم دادگاه کیفری (تاثیر تصمیم مرجع قضایی بر دعوی ضرر و زیان).....	۳۸۳
بند نخست: حکم به محکومیت متهم در پرونده کیفری.....	۳۸۴
بند دوم: حکم برائت یا قرار منع تعقیب به لحاظ جرم نبودن عمل ارتكابی.....	۳۸۴
بند سوم: برائت به لحاظ عدم انتساب فعل و رفتار به متهم.....	۳۸۴
بند چهارم: صدور حکم برائت یا قرار منع پیگرد به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل.....	۳۸۴
پیوست.....	۳۸۷
چک لیست.....	۴۲۳
منابع.....	۴۲۴

تقدیم به وطنم «ایران»

وطن یعنی پدر، مادر، نیاکان
به خون و خاک بستن عهد و پیمان
وطن یعنی هویت، اصل، ریشه
سرآغاز و سرانجام و همیشه

مقدمه ناشر

اقدام قانونی جهت احقاق حق، اصولاً ملازمه با تقدیم دادخواست به مرجع قضایی دارد. مرجعی که جلوه‌گاه تقابل میان خواهان و خوانده دعواست. بدیهی است در منازعه‌ای که توسط خواهان آغاز گشته، هریک از طرفین در پی آن باشد تا با غلبه بر حریف، پیروزمندانه، نبرد را خاتمه دهد. دادرسی نیز به عنوان مرجعی بی طرف و مستقل، منازعه موجود را به داوری نشسته و بر اساس مقررات، مبادرت به فصل خصومت خواهد نمود. با این حال، طرح دعوا در موارد بسیار، به حل و فصل نهایی خصومت و صدور حکم منجر نشده، بلکه خواهان به علت عدم رعایت مقررات قانونی در طرح دعوا متحمل شکست می‌گردد. در چنین مواردی قرارداد یا قرار عدم استماع دعوا صادر شده که از «اعتبار امر مختم» برخوردار نبوده و به خواهان فرصت طرح مجدد دعوا و فراخوانی حریف به نبردی دیگر را خواهد داد. با این حال، صدور قرارهای فوق، موجب خدشه بر حیثیت خواهان می‌گردد. چه، به هر ترتیب، منازعه آغازین، نتیجه‌ای جز شکست برای او به همراه نداشته است. در عین حال، حداقل زیان وارده، از بین رفتن زمانی است که به دادرسی نخست اختصاص یافته، ضمن آن که هزینه دادرسی پرداختی در دعوی نخست، حتی با فرض پیروزی در دعوی دوم، قابل بازیافت و استرداد از خواننده‌ای که در نبرد ثانویه محکوم شده نیست. به همین جهت فراگیری مهارت‌هایی که مانع از تحمیل شکست بر خواهان گردد، ضروری است. در کتاب «از قلم تا محکمه» که به قلم آقای وحید فقیهی محمدی، وکیل پایه یک دادگستری تحریر یافته، به لحاظ اتکا بر سال‌ها وکالت در دادگستری و تدریس در دوره‌های مختلف دانشگاهی و عملی، ظرایف ناظر به تنظیم دادخواست صحیح و موثر، با لحاظ نکات کاربردی و با قلمی شیوا بیان گردیده است. موسسه حقوقی دادبانان که با چشم انداز نشر آثار ارزشمند و کاربردی حقوق فعالیت می‌نماید، ضمن ارج نهادن بر زحمات مولف، امید دارد اثر مزبور مورد استفاده خوانندگان، بویژه کارآموزان وکالت و وکلای جوان قرار گیرد.

مدیر انتشارات دادبانان دانا

پیشگفتار

با توجه به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، رسیدگی دادگاه به دعوا، مستلزم طرح آن «برابر قانون» است. تکلیفی که عدم رعایت آن، به صدور قرار «رد» یا «عدم استماع» دعوا (پیش از ورود مرجع قضایی به ماهیت امر) منجر خواهد شد. حداقل زیان اصدار قرارهای موصوف نیز، هدررفت زمان و هزینه دادرسی پرداختی از سوی خواهان است. با این وجود، فعالیت نگارنده در کسوت وکیل دادگستری از سال ۱۳۸۸، حکایت از فراوانی قابل تاملی قرارهای پیش گفته در میان دادنامه‌های اصداری از سوی محاکم دادگستری دارد. بی‌توجهی به مقررات شکلی و طرح نمودن دعوا برابر قانون، در فرضی که خواهان «شخصاً» جهت احقاق حق، اقدام کرده باشد، محتمل بوده و هزینه شکست نیز بر شخص او تحمیل خواهد شد. اما در فرضی که «وکیل دادگستری» مبادرت به تقدیم دادخواست نموده، عدم رعایت تشریفات قانونی، غیرقابل توجیه می‌نماید. چرا که دست کم در ظاهر امر، کار به کاردان سپرده شده است! صدور قرار رد یا عدم استماع دعوا در چنین فرضی سبب خدشه به اعتبار و حیثیت حرفه‌ای وکیل دادگستری شده و چه بسا پای او را به مراجع انتظامی باز نماید. همین امر، فراگیری مهارت طرح دعوی صحیح، دست کم برای وکلای دادگستری را ضروری می‌نماید.

برای یادگیری مهارت مزبور، پاسخ صحیح به پرسش‌هایی از این قبیل در زمان تنظیم دادخواست، لازم است: چه شخص یا اشخاصی می‌بایست به عنوان «خواهان»، دعوا را طرح نمایند؟ فراخواننده چه شخص یا اشخاصی به عنوان «خواننده» دادرسی لازم است؟ برای احراز «سِمَت»، چه مستنداتی باید پیوست دادخواست گردد؟ برای انعکاس صحیح «خواسته» خواهان در ستون خواسته، چه نکاتی را باید مد نظر قرار داد؟ برای اثبات ادعا، چه «دلیل یا دلایلی» باید تقدیم مرجع قضایی شود؟ انعکاس «امور موضوعی و حکمی» به چه شکل در شرح دادخواست صورت پذیرد؟

علاوه بر آن، «موثر بودن» کنش حقوقی، گاه وابسته به اقداماتی پیش از طرح دعوی اصلی (مانند اقدامات تأمینی) است که حسب مورد باید از سوی خواهان انجام گیرد. گاه نیز، پس از تقدیم دادخواست، نیاز به انجام عملیاتی ترمیمی است تا خواسته با توجه به شرایط حاکم بر دعوا، تغییر نموده، افزایش یا کاهش یابد. در مواردی نیز لازم است شخص یا اشخاص جدیدی به دادرسی دعوت شده یا خواهان دعوی خود را کلاً یا جزئاً مسترد نماید. اقدامات فوق (اعم از پیشینی، مقارن و پسینی) مهارت‌هایی مهم و تاثیرگذار در فرایند دادرسی است که نه در دانشکده‌های حقوق و نه در زمان کارآموزی وکالت، آن‌گونه که بایسته و شایسته است مورد عنایت قرار نمی‌گیرد. در میان آثار حقوقی نیز، با تتبع صورت گرفته، کتابی

که به طور کاربردی به این موضوع پرداخته باشد، به رشته تحریر در نیامده و وکیل جوان برای پاسخ به پرسش‌های متعدد خویش در زمان تنظیم دادخواست، منبعی در اختیار ندارد. همین امر انگیزه نگارش آفرینه حاضر گردید تا به عنوان «اثری کاربردی» در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد. اثری که ویژگی بارز آن، توجه به جنبه‌های عملی بوده و بر مبنای تجربیات حاصل از فعالیت وکالتی و تدریس در دوره‌های عملی تالیف گردیده تا در اختیار هر شخصی که به یادگیری چنین مهارتی علاقه‌مند است، قرار گیرد. مطالعه مطالب پیش رو، خواهان را تا حد ممکن در طرح دعوا، به شکل صحیح، یاری نموده و او را در برابر ایرادات شکلی که حسب مورد ممکن است از سوی خوانده (یا وکیل وی) و یا مرجع قضایی بیان شود، ایمن می‌نماید. در عین حال، اقدام موثر خواهان، مستلزم توجه به تاکتیک‌هایی است که بیش از دانش حقوقی، بر تجربیات عملی مبتنی است. در اثر پیش رو، این مهم نیز مد نظر بوده و روش‌های متمرکز در احقاق حق خواهان مورد بررسی قرار گرفته، بدان امید که مطالعه آن، در مسیر احقاق حق و برقراری عدالت، هرچند اندک، حق جویان را یاری رساند. در پایان بر خود لازم می‌دانم از زحمات همکار ارجمند، سرکار خانم «نگار افتخار» که از مرحله نخست (جمع‌آوری مطالب) تا مراحل پایانی (ویرایش و بازبینی) با جد و جهد تلاش نموده و نقش بسزایی در به زیور طبع آراسته شدن اثر پیش رو داشته، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.

ویژگی‌های کتاب نیز با توجه به آنچه فوقاً بیان گردید بدین شرح است:

۱. توجه به آخرین تحولات رویه قضایی

رویه قضایی با توجه به مسائل مستحدثه در گذر زمان دستخوش تغییراتی می‌گردد. بنابراین ادراک صحیح نسبت به رویه مذکور، مستلزم بررسی آرای است که در سالیان اخیر صادر یافته است. عدم توجه به این امر می‌تواند سبب غافلگیری خواهان و مردود شدن دعوای وی، به لحاظ وجود ایرادات شکلی گردد. بر همین مبنا، در اثر پیش رو دادنامه‌هایی مورد استناد قرار گرفته که پس از سال ۱۴۰۰ از سوی مراجع قضایی صادر یافته تا آخرین تحولات در رویکرد مراجع قضایی نسبت به موضوعات مورد بحث روشن گردد. در پیوند با دادخواست‌هایی که حسب مورد در متن کتاب بدان اشاره شده نیز همین ملاحظه مد نظر نویسنده قرار گرفته است.

۲. ابتدای مطالب بر تجربیات عملی

علی‌الاصول میان آنچه در دانشگاه تدریس می‌گردد با آنچه در بوته عمل رخ می‌دهد، تفاوت‌هایی وجود دارد. به همین دلیل دانش حقوقی، هرچند برای تقدیم دادخواست به شکل صحیح لازم است ولیکن

کافی نیست. بالحاظ همین نکته آنچه برای تالیف اثر حاضر، بیش از کتب حقوقی، محل مراجعه بوده، تجربیاتی است که نگارنده طی سالیانی که در کسوت وکالت مشغول به فعالیت بوده، کسب کرده است.

۳. بیان مطالب کاربردی به صورت گزینشی

جنبه‌های تئوریک طرح دعوا، در کتب حقوقی به طور مفصل مورد بررسی قرار گرفته و در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد. به همین جهت از تکرار چنین مطالبی در آفرینه حاضر خودداری گردیده است. در حقیقت تلاش شده ذیل هر عنوان، مطالبی که جنبه کاربردی داشته و خواهان در عمل با آن مواجه است، گزینش شده و مورد بررسی قرار گیرد.

۴. شیوه نوین در ارائه مطالب

مطابق بررسی صورت گرفته توسط نگارنده، تاکنون کتابی که اقدام خواهان را در سه مقطع مجزا (پیش از تقدیم دادخواست، مقارن با تنظیم آن و پس از آن) مورد بررسی قرار داده باشد، به رشته تحریر در نیامده و از این حیث، مطالب اثر حاضر، با روشی نوین ارائه گردیده است. در عین حال، نخستین بار است که ستون‌های دادخواست به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته و نکات کاربردی در مورد آن بیان گردیده است. همچنین بخش انتهایی کتاب به نقد و بررسی دادخواست‌هایی اختصاص یافته که تقدیم مراجع قضایی شده و منجر به صدور رای علیه یا له خواهان گردیده است که این امر نیز در کتب حقوقی سابقه ندارد.

۵. جامع بودن مطلب

بیان صفر تا صد مطالب ناظر به فرایند دادرسی در یک کتاب ممکن به نظر نمی‌رسد. با این حال رعایت نکاتی که به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته، به وکیل خواهان تا حدود زیادی اطمینان خواهد داد که دادخواست وی از جهت شکلی با ایرادی مواجه نبوده و از این حیث دغدغه‌ای برای جلسه رسیدگی نخواهد داشت و می‌تواند بر دفاع ماهوی تمرکز نماید. بررسی ستون به ستون دادخواست، به تنظیم‌کننده آن یاری خواهد رساند تا در هر مورد، مولفه‌های لازم را مورد بررسی قرار داده و با «چک و تیک» کردن هر ستون، از صحت اقداماتش در آن بخش اطمینان یابد. در راستای مختصر نمودن مطالب نیز، در انتهای کتاب، جدولی ارائه شده که بالحاظ نکات مندرج در آن، خواهان قادر است پیش از تقدیم دادخواست، اقدامات بایسته را به سرعت چک و تیک نماید.

۶. استفاده از QR CODE جهت ارائه بخشی از مطالب

درک بهتر برخی مباحث کتاب، مستلزم آن بوده که خواننده، روند اقداماتی که توضیح داده شده را در سامانه‌های مربوطه ملاحظه نماید. به همین منظور با درج QR CODE در کتاب و ارجاع به آن در موارد مقتضی،

این ظرفیت فراهم شده تا خواننده علاوه بر مطالعه مطلب، با اسکن (پویش) کد موصوف قادر به مشاهده فایل تصویری ناظر به آن بخش نیز باشد.

بدیهی است اثر پیش رو خالی از نقد نبوده و نیست. بویژه این که نگارش کتابی بدین شکل سابقه نداشته و اختلاف در رویه قضایی و تشتت آرا ممکن است سبب گردد در مواردی نظر مرجع قضایی با آنچه بیان شده، همگرا نباشد. بنابراین از تمامی کسانی که با نقد سازنده، نگارنده را در رفع ایرادات اثر حاضر یاری نمایند، سپاسگزاری می‌نماید. راه‌های ارتباطی جهت اعلام نظرات نیز بدین شرح است:

پیج اینستاگرام: @vahid_faghihi

ایمیل: vfmlawyer@gmail.com

تلفن ثابت: ۰۲۱-۸۸۶۴۰۴۹۷

مقدمه

منازعه حقوقی در مراجع قضایی، اصولاً با تقدیم «دادخواست» از سوی خواهان آغاز می‌گردد. سند آغازگر دادرسی که مبین آن است «چه کسی» در شیپور نبرد دمیده؛ «خواسته» او از مرجع قضایی چیست و «استراتژی» اتخاذ شده برای نائل آمدن به این مقصود کدام است؟ در عین حال دادخواست، مشخص‌کننده «شخص یا اشخاصی» است که خواهان، ایشان را به دادرسی فراخوانده و همچنین «امور موضوعی» مورد ادعای وی را روشن می‌نماید. بنابراین می‌توان گفت مهمترین سند تقدیمی از طرف خواهان دعوا در دعاوی حقوقی، «دادخواست» است. بروز اشتباه در هریک از مولفه‌های فوق (تعیین و شناسایی خواننده، تعیین خواسته و...) مانع از پیروزی خواهان در نبرد حقوقی شده و ممکن است توأم با زیان جبران‌ناپذیر برای او باشد. برای تنظیم چنین سند با اهمیتی، عنایت به دو نکته اساسی بایسته است: نخست، تنظیم دادخواست به شکل «صحیح». منظور از «صحیح» آن است که دعوی مطروحه «مصون از ایرادات شکلی» وکیل خواننده در مقام دفاع و دادرس، در مقام رسیدگی به دعوا باشد. دوم، بهره‌برداری از دادخواست به نحو «مؤثر»؛ بدان مفهوم که خواهان با تبیین استراتژی صحیح و طرح دعوی لازم، در «کوتاه‌ترین زمان» و با «کمترین هزینه» قادر به احقاق حق تضییع شده خویش باشد. وارد شدن به فرایند دادرسی، به معنای حضور در عرصه «یک نبرد تمام عیار» است. در نتیجه تنظیم و تقدیم دادخواست صحیح و مؤثر. به مفهومی که بیان شد. نخستین و چه بسا مهمترین گام برای پیروزی در چنین نبردی باشد. تدوین نقشه راهی با ویژگی‌های فوق‌الذکر، نیازمند ذکاوت، تدبیر، تدقیق و ژرف‌نگری خواهان و توجه به مؤلفه‌های متعددی است که غفلت از هریک، ممکن است دست‌کم، احقاق حق او را با تاخیر مواجه نموده و یا حتی سبب شکست قطعی در نبرد دادرسی گردد. در نوشتار حاضر، هریک از مؤلفه‌های لازم جهت تنظیم «دادخواست صحیح و مؤثر» به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته و نکات مقتضی در مورد هر کدام، به تفصیل بیان شده تا با جمع سایر شرایط، خواهان از طریق مرجع قضایی قادر به اثبات حقانیت و اعاده حقوق از دست‌رفته خویش گردد. به عبارت دیگر رعایت نکاتی که بیان شده، مانع از آن است که به علت وجود ایرادات شکلی، قرارهایی مانند «قرار رد» یا «عدم استماع» دعوا صادر شود و مرجع قضایی را وادار به ورود در ماهیت دعوا خواهد نمود. بدیهی است پیروزی در ماهیت دعوا، علاوه بر رعایت شرایط فوق، نیازمند وجود «ادله اثبات» مقتضی جهت اثبات دعوی طرح شده از سوی خواهان است. ممکن است در بادی امر چنین به نظر رسد که مناقشه حقوقی با «تقدیم دادخواست» آغاز می‌گردد. بویژه آن‌که همانگونه که بیان گردید، دادخواست، سند آغازگر دادرسی است. با این حال همان‌گونه

که در عرصه نبرد واقعی، در مواردی پیش از آغاز عملیات اصلی، انجام اقدامات مقدماتی مانند عملیات شناسایی، جنگ ایدایی، عملیات فریب و ... ضروری است، در مناقشه حقوقی نیز در موارد متعدد پیش از تقدیم دادخواست، نیاز به انجام «اقداماتی مقدماتی» می باشد. اقداماتی که می تواند سبب غافلگیری حریف (خواننده دعوا) شده و وی را وادار به تسلیم نماید؛ مهمات و سلاح (ادله) خواهان را ایمن سازد؛ گستره خسارات قابل مطالبه توسط خواهان را افزوده و یا مانع از اقداماتی توسط طرف دیگر نبرد گردد که در نهایت، اجرای حکم را با دشواری همراه می سازد. پس از انجام عملیات مقدماتی (یا در صورتی که ضرورتی جهت انجام آن نباشد، بدون آن) نبرد اصلی آغاز می گردد. در این مرحله خواهان، با اندیشیدن به جمیع جوانب، دادخواست را «تنظیم» و برای رسیدگی به مرجع قضایی «ارسال» می نماید. پس از آغاز نبرد و با لحاظ نصوص قانونی، خواهان قادر است با هدف تغییر استراتژی، یا در راستای دعوت اشخاص جدید به دادرسی، خاتمه نبرد و ...، تغییراتی در دادخواست اولیه اعمال نموده و یا آن را مسترد نماید. با در نظر گرفتن طواری فوق، از حیث «زمانی» می توان اقدامات خواهان را در سه مقطع بررسی نمود. نخست اقداماتی که «پیش» از آغاز نبرد صورت می پذیرد. دوم آنچه «مقارن» با اولین شلیک (ارسال دادخواست به مرجع قضایی) شایسته توجه است و سوم اقداماتی که ممکن است «پس از شروع مناقشه» ضروری نماید. با همین معیار، اثر پیش رو به سه بخش تقسیم گردیده و در بخش نخست «اقدامات پیشینی» یا آنچه که پیش از نگارش دادخواست اصلی، خواهان می بایست به آن توجه داشته باشد مورد مطالعه قرار گرفته است. بخش دوم به نکاتی که رعایت آن «مقارن با نگارش دادخواست اصلی»، ضروری است اختصاص دارد. همانگونه که پیش از این بیان شد، پس از آغاز نبرد، احتمال دارد خواهان به دلایلی ناگزیر از تغییر استراتژی؛ استرداد دعوا؛ دعوت شخص ثالث به دادرسی و ... گردد. این اقدامات را می توان «اقدامات پسینی» نامید که مطالب بخش سوم، ناظر به این موضوع می باشد.

بخش نخست

**نکات کلیدی پیش از تنظیم دادخواست
(عملیات مقدماتی)**

اقدامات پیشینی، همانگونه که بیان گردید، ناظر به اقداماتی است که خواهان می‌بایست پیش از تقدیم دادخواست اصلی، مد نظر قرار داده، و در صورت لزوم، در خصوص آن «کنش مقتضی» به عمل آورد. با همین رویکرد، بخش حاضر، به سه فصل مجزا تقسیم گردیده و در فصل نخست «اقدامات غافلگیرانه» یعنی «تأمین خواسته و دستور موقت»، در فصل دوم «ایمن سازی سلاح‌های مورد استفاده خواهان» که ممکن است در آینده استناد به آن با چالش مواجه گردد (تأمین دلیل) و در فصل سوم «انذار پیش از نبرد» یا همان (اظهارنامه) مورد مطالعه قرار گرفته است.

فصل نخست: اقدامات غافلگیرانه (تأمین خواسته و دستور موقت)

وکیل ژرف‌نگر و عاقبت‌اندیش، پیش از تقدیم دادخواست، نخست، به بررسی این موضوع می‌پردازد که در پرونده‌ای که با سند آغازگر دادرسی تقدیمی از سوی وی (یعنی دادخواست) به جریان خواهد افتاد، آیا نیازی به صدور قرار «تأمین خواسته» یا «دستور موقت» وجود دارد یا خیر؟ عدم توجه به این مهم ممکن است نتایج زیان‌باری به همراه داشته باشد؛ از جمله این که اجرای حکمی که پس از صرف زمان و هزینه قابل توجه و تحمل فشار روانی، احتمالاً به نفع او صادر می‌گردد، به علت انتقال اموال از سوی محکوم علیه یا مخفی نمودن اموال و ... امکان‌پذیر نبوده و یا با دشواری مواجه گردد. عنایت به این امر حائز اهمیت بسیار است؛ چرا که خواهان در نهایت به دنبال «اجرای حکم» بوده و صرف «صدور حکم» به نفع او، بدون آن که قابلیت اجرا داشته باشد، حق تضییع شده او را احقاق نخواهد کرد. وکیل دوران‌دیش می‌بایست پیش از هر اقدامی، به زمان اجرای حکم اندیشیده و تدابیر لازم در این خصوص را اتخاذ نماید. یکی از تدابیر مزبور امور تأمینی است که در ادامه طی دو گفتار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- البته این امر در مورد خواسته‌هایی متصور است که پس از صدور حکم جنبه اجرایی داشته باشند. در حالی که حکم صادره در برخی از دعاوی صرفاً جنبه اعلامی داشته و نگرانی در خصوص اجرای آن وجود ندارد مانند خواسته اعلام بطلان قرارداد در فرضی که نیاز به استرداد ثمن یا مبیع نباشد.

۲- در کتاب هفت «عادت مردمان موثر» اثر استفان گاوی، یکی از عادات مهم مردمان موثر این است که از نظر ذهنی از پایان، فعالیتی را شروع می‌نمایند. برای وکیل دادگستری در تمام فرایند دادرسی، این خصیصه، یک ویژگی مهم، موثر و ضروری است. در حقیقت «تفکر سیستمی» اقتضا می‌نماید خواهان یا وکیل او از همان بدو امر به آثار اقدامات حقوقی خود عنایت داشته و با دوران‌دیشی به همه جوانب امر، از بدو امر تا ختم آن اندیشیده باشد.

گفتار نخست: تأمین خواسته (کمین حقوقی)

معمولاً مدتی نسبتاً طولانی طی می‌شود تا دادخواست تقدیمی توسط خواهان، در قالب حکمی لازم‌الاجرا (به شرط آن که حکم به نفع او صادر شود) تبلور یابد. این بازه زمانی، خوانده بدون حسن نیت را در موقعیتی قرار داده تا با انجام فعل و انفعالاتی (مانند انتقال اموال به شخص ثالث، خارج نمودن وجه نقد از حساب بانکی و...) اجرای حکمی را که خواهان با صرف وقت و پرداخت هزینه‌های قانونی به دست آورده با دشواری روبه‌رو و یا حتی غیرممکن نماید.^۱ مضاف بر آن، محتمل است اموالی که در زمان اقامه دعوا موجود و در مالکیت خوانده بوده، تا زمان اجرای حکم، متعلق حق دیگران قرار گرفته، با تعدی و تفریط خوانده یا پیشامدهای قهری ناقص شده، از بین رفته یا ارزش خود را از دست دهد. قانون‌گذار با هدف حفظ حقوق احتمالی خواهان از یک سو و جلوگیری از پیشامدهای فوق‌الذکر از دیگر سو، در نصوص قانونی، نهادهایی را پیش‌بینی نموده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، «تأمین خواسته» است.^۲ مواد ۱۰۸ الی ۱۲۹ از فصل ششم قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)^۳ که تحت عنوان «امور اتفاقی» نام‌گذاری شده، به مبحث تأمین خواسته اختصاص دارد. در سایر مقررات (مانند قانون آیین دادرسی کیفری، قانون تجارت و...) نیز، موادی به صورت پراکنده در مورد تأمین خواسته وجود دارد. تأمین خواسته این ظرفیت را برای خواهان فراهم می‌نماید که در همان زمان تقدیم دادخواست و حتی پیش از آن، اموال خوانده را توقیف نموده تا با صدور حکم احتمالی به نفع او، اجرای حکم صادره با چالشی مواجه نگردد. با این حال، مرجع رسیدگی‌کننده، رأساً حق صدور قرار تأمین خواسته را ندارد. به عبارت دیگر تحقق اقدام پیشگیرانه فوق، منوط به درخواست خواهان است. امری که منطبق با اصل «درخواست خواهان» مندرج در ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی است. در نتیجه خواهان دوراندیش در همان زمان تقدیم دادخواست باید به این پرسش اساسی پاسخ دهد که آیا نیاز به توقیف اموال خوانده وجود دارد یا خیر؟ غفلت از این امر، نشانه سطحی‌نگری، عدم تدبیر و ضعف خواهان و یا مشاور حقوقی (وکیل) او در تحلیل صحیح پرونده بوده و ممکن است حکم صادره را به برگه‌ای غیرقابل اجرا تبدیل نماید. نکات ناظر به بحث ماهوی و آیینی تأمین خواسته، در مقررات

۱- هرچند امکان طرح دعوی ابطال نقل و انتقالات صورت گرفته یا شکایت معامله به قصد فرار از دین، در مواردی وجود دارد، اما دشواری‌های موجود در اثبات ادعا، احتمال پیروزی در چنین دعوایی را بسیار کم می‌نماید.

۲- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد سوم؛ چاپ ۲۸، انتشارات دراک، تهران، ۱۳۹۴، ص ۴۱۳.

۳- از این پس در اثر حاضر به قانون مزبور به اختصار «قانون آیین دادرسی مدنی» گفته می‌شود.

توقیف اموال خواننده، هم محدودیت‌هایی را به خواننده تحمیل نموده (مانند توقیف وجه نقد در حساب بانکی) و هم ممکن است از حیث روانی برای او سنگین باشد (مانند توقیف فیزیکی خودرو) و از این حیث تسلیم در برابر خواسته خواهان را عملی سازد. مضاف بر آن با توجه به ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی، در صورت عدم طرح دعوای اصلی ظرف ده روز از تاریخ صدور قرار تأمین خواسته، از قرار صادره رفع اثر به عمل می‌آید. امری که خواهان دوران‌دیش را قادر ساخته تا با بهره‌برداری از ظرفیت قرار موصوف، در راستای احقاق حقوق خویش استفاده نماید و با استفاده از نهادهای تأمینی، استراتژی خود را به سرانجام رسانده و به هدف نهایی از دعوا، بدون طرح آن، نائل گردد.

مثال:

سابقاً در خرید و فروش خودروهای صفرکیلومتر، طرحی عرفی تحت عنوان « طرح خرید سبدي خودرو» وجود داشت. خرید سبدي بدان معنا بود که خریدار، قراردادی با یک شرکت خودروساز یا نماینده آن منعقد نموده و مطابق آن به جای خرید یک دستگاه خودروی خاص، مکلف بود از هر نوع خودروی تولید شده توسط شرکت، یک دستگاه خریداری نماید. همین امر سبب می‌گردید شرکت، تخفیفات قابل توجهی به خریدار داده و ثمن را به میزان قابل توجهی کمتر از قیمت بازار لحاظ نماید. این فرایند، یک روش سرمایه‌گذاری محسوب می‌گردید. در پرونده موضوع بحث، خریدار (آقای حسینی) مبادرت به خرید سبدي خودرو از شرکت خودروساز نموده و طی صورتجلسه‌ای، اقرار نموده بود که تمامی خودروها به وی تحویل شده است. اسناد مالکیت خودروهای خریداری شده نیز به نام وی تنظیم گردیده بود. با این حال، نماینده شرکت (آقای بلالی)، گران‌ترین خودروی تولیدی شرکت را در یکی از پارکینگ‌های موجود در سطح شهر گرو نگه داشته و تقاضای مبالغی قابل توجه و فراتر از توافق اولیه از خریدار نموده بود. نتیجه آن که خریدار با وجود مالکیت بر خودرو، از تصرف در مال خود محروم بود (چرا که قبض پارکینگ در اختیار نماینده شرکت خودروساز یعنی آقای بلالی قرار داشت). راهکار اولیه برای رهایی از این چالش، دادخواستی با خواسته «تأمین خواسته» بود تا اتومبیل از پارکینگ مربوطه خارج نشده و به آن آسیبی وارد نگردد. مضاف بر آن، خریدار می‌بایست دعوایی با خواسته «الزام به تحویل مبیع» مطرح می‌نمود تا پس از صدور حکم قطعی، قادر به دریافت اتومبیل خود گردد. با توجه به این که در مالکیت خریدار تردیدی وجود نداشت و سند خودرو به نام وی تنظیم گردیده بود، شانس بالایی برای پیروزی او در دعوا وجود

خسارت احتمالی امکان صدور قرار تامین خواسته وجود نداشته باشد، خواهان در مطالبه قرار تامین مردد می‌گردد. هرچند که صدور قرار تامین خواسته چنانچه منجر به توقیف اموال خوانده گردد، این مزیت را دارد که به خواهان اطمینان می‌دهد حکمی که پس از طی زمان قابل توجه و پرداخت هزینه‌های قانونی (احتمالاً) به نفع وی صادر می‌گردد، قابل اجرا خواهد بود و متواری شدن یا فوت خوانده یا خارج نمودن سایر اموال از دسترس، تاثیری در احقاق حق وی نخواهد داشت. با توجه به آن چه بیان گردید و جهت تحمیل کمترین هزینه به خواهان از باب خسارت احتمالی، از حیث عملی می‌بایست نکاتی را مد نظر قرار داد که ذیلاً بصورت مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تشریح خواسته به شکل مبسوط (تنوری انبساطی)

همان‌گونه که بیان گردید، چنان چه موضوع خواسته خواهان مشمول بند «د» ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی باشد، صدور قرار تأمین خواسته منوط به ایداع خسارت احتمالی خواهد بود. تعیین میزان خسارت احتمالی امری «صلاح‌دیدی» است و در اختیار دادرسی صادرکننده قرار تأمین خواسته قرار دارد. در عرف قضایی مرسوم است که میزان خسارت احتمالی رقمی بین ده تا بیست درصد خواسته تعیین می‌گردد. با این حال، مرجع قضایی محدودیتی از این حیث نداشته و بسته به نظر قاضی رسیدگی‌کننده به درخواست، ممکن است درصد خسارت احتمالی مابین یک تا صد درصد خواسته تعیین گردد (تبصره ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی). با این وجود در عمل، میان قوت ادله خواهان و میزان خسارت احتمالی، همبستگی معکوس وجود دارد. بدان معنا که هرچه ادله خواهان در راستای اثبات ادعای طرح شده از قوت بیشتری برخوردار باشد، میزان خسارت احتمالی تعیینی کاهش می‌یابد. بدیهی است مطلوب خواهان آن است که تا حد ممکن میزان خسارت احتمالی، کاهش یابد. لذا می‌بایست تمام توان خویش را در این راستا به کار بندد. علاوه بر توان اثباتی ادله «تبیین» آن به نحو صحیح با هدف کاهش میزان خسارت احتمالی مورد توصیه است. بنابراین بهتر است خواهان در دادخواستی که در آن صدور قرار تأمین خواسته، مورد درخواست است، شرح ماقوع و ادله خود را به صورت «مبسوط» بیان نموده تا مرجع قضایی ضمن درک صحیح و کامل امور موضوعی پرونده، با توجه به تزییع حقوق وی و ادله متقن موجود در دادخواست، درصد پایین‌تری از خواسته را به عنوان خسارت احتمالی تعیین نماید؛ زیرا هرچه درصد و رقم خسارت احتمالی خواسته پایین‌تر باشد، احتمال تودیع آن توسط خواهان و در نتیجه توقیف اموال خوانده بیشتر است. به عبارت دیگر، ممکن است علی‌رغم

را مطالبه نموده و اموال خوانده را تا سقف مزبور توقیف نماید. در نهایت نیز دادخواستی با خواسته صدور حکم به پرداخت خسارت وارده طبق نظر کارشناس، تقدیم دادگاه شده و خواسته به صورت علی الحساب (صد میلیون و صد هزار تومان) تقویم می‌گردد. فرایندی که مانع قانونی نداشته، خواهان را از پرداخت هزینه دادرسی قابل توجه معاف نموده و او را در توقیف اموال خوانده تا سقف خسارت واقعی یاری خواهد نمود.

فصل سوم: اولتیماتوم پیش از نبرد (اظهارنامه)

ارسال اظهارنامه پیش از تقدیم دادخواست، از دیگر مواردی است که ضرورت ارسال آن پیش از آغاز نبرد اصلی شایسته بررسی است. قواعد کلی راجع به اظهارنامه در مواد ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی منعکس و در مقررات مختلف نیز به اظهارنامه اشاره شده است. مطابق نصوص قانونی، طرح برخی از دعاوی الزاماً باید مسبوق به ارسال اظهارنامه باشد. در غیر این صورت دادخواست با قرار، رد خواهد شد. در سایر موارد، الزام قانونی برای خواهان جهت ارسال اظهارنامه وجود ندارد. با این حال ممکن است در نقشه راهی که خواهان در ابتدای نبرد برای خود ترسیم می‌نماید (یا همان استراتژی خواهان)، ارسال اظهارنامه به عنوان اقدامی پیشینی و مقدماتی مورد نظر قرار گرفته باشد. لذا در ادامه و در دو بند مجزا، موارد الزامی و اختیاری ارسال اظهارنامه و آثار آن مورد بررسی قرار گرفته است.

گفتار نخست: موارد اجباری (آگاه سازی با اهرم قانون)^۱

بند نخست: تعیین داور

مقررات ناظر به داوری داخلی در مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی منعکس گردیده است. تفصیل بحث داوری خارج از موضوع اثر حاضر است. اما باید در نظر داشت، در مواردی که قرارداد

۱- ماده ۱۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی: هر کس می‌تواند قبل از تقدیم دادخواست، حق خود را به وسیله اظهارنامه از دیگری مطالبه نماید، مشروط بر اینکه موعد مطالبه رسیده باشد. به طور کلی هر کس حق دارد اظهاراتی را که راجع به معاملات و تعهدات خود با دیگری است و بخواهد به طور رسمی به وی برساند ضمن اظهارنامه به طرف ابلاغ نماید. اظهارنامه توسط اداره ثبت اسناد و املاک کشور یا دفتر دادگاه‌ها ابلاغ می‌شود. تبصره- اداره ثبت اسناد و دفتر دادگاه‌ها می‌توانند از ابلاغ اظهارنامه‌هایی که حاوی مطالب خلاف اخلاق و خارج از نزاکت باشد خودداری نمایند.

ماده ۱۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی: در صورتی که اظهارنامه مشعر به تسلیم چیزی یا وجه یا مال یا سندی از طرف اظهار کننده به مخاطب باشد باید آن چیز یا وجه یا مال یا سند هنگام تسلیم اظهارنامه به مرجع ابلاغ، تحت نظر و حفاظت آن مرجع قرار گیرد، مگر آن که طرفین هنگام تعهد محل و ترتیب دیگری را تعیین کرده باشند.

۲- کشاورز، بهمن، هنر دفاع در دادگاه‌ها (استراتژی و تاکتیک)، انتشارات کشاورز، تهران، ۱۳۹۰، صص ۱۶۳-۱۷۳.

<p>شماره دادنامه: تاریخ تنظیم: شماره پرونده: شماره بایگانی شعبه:</p>	<p>«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا» شعبه دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید صدر دادنامه</p>	 دادگستری کل استان تهران
<p>پرونده کلاسه..... شعبه دادگاه عمومی حقوقی تهران. تصمیم نهایی شماره خواهان: سیاوش ... فرزند ... به نشانی استان تهران خوانده آقای بهرام ... فرزند ... به نشانی استان تهران خواسته‌ها ۱- الزام به تنظیم سند رسمی ملک ۲- مطالبه خسارت دادرسی ۳- مطالبه خسارت با بررسی اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و بشرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید. «رای دادگاه» در خصوص دعوا آقای سیاوش ... بطرفیت آقای بهرام ... بخواسته الزام خوانده به تنظیم سند رسمی انتقال یک واحد آپارتمان به پلاک ثبتی ... فرعی از ... اصلی با عنایت به محتویات پرونده نظر به اینکه حسب استعلام صورت گرفته از اداره ثبت اسناد و املاک ملک موضوع دعوا در رهن بانک ... می باشد که طبعا بانک مربوطه نیز میبایست طرف دعوا قرار می گرفت علیهذا نظر به مراتب مزبور مستندا به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوی صادر و اعلام مینماید. در خصوص دعوا دیگر خواهان به خواسته مطالبه خسارت عدم انجام تعهد بدین توضیح که خواهان اظهار میدارند به موجب مبایعه نامه مورخه ۱۳۹۹،۲،۱۷ خوانده تعهد به انتقال سند در دفتر اسناد رسمی شماره ... تهران به نام خواهان گردیده مع الوصف در راستای انجام تعهد خود اقدامی معمول نداشته است و خسارت ناشی از عدم انجام تعهد به موجب ماده ۶-۵ قرارداد پرداخت روزانه مبلغ پنج میلیون ریال توافق گردیده است. علیهذا نظر به مراتب مزبور، مفاد مستندات ابرازی و توجهها به اینکه خوانده دعوی باوصف ابلاغ و استحضار از وقت رسیدگی در جلسه دادرسی حضور نیافته و نسبت به اصل دعوی و مستندات برازی ایراد و دفاعی معمول نداشته علیهذا دادگاه دعوا خواهان را وارد دانسته مستندا به مواد ۱۹۸ و ۵۱۹،۵۱۵ از قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۲۲۳، ۲۱۹، ۲۲۱ از قانون مدنی حکم به محکومیت خوانده به پرداخت روزانه مبلغ پنج میلیون ریال از تاریخ ۱۳۹۹،۶،۱۰ لغایت انجام تعهد و تنظیم</p>		

فصل چهارم: مقوله صلاحیت (میدان نبرد)

صلاحیت مراجع رسیدگی کننده به دعاوی از دو حیث قابل بررسی است: صلاحیت ذاتی و صلاحیت محلی. صلاحیت ذاتی بر اساس صنف (اداری-قضایی)، نوع (استثنایی/اختصاصی-عمومی) و درجه مرجع رسیدگی (تالی و عالی) تعیین می شود که تفصیل تمامی این موارد از موضوع بحث خارج است.^۱ با این حال از یک سو مطابق اصل ۱۵۹ قانون اساسی^۲، «دادگاه» به عنوان مرجع عام رسیدگی به تظلمات، به دادخواهی دادخواه رسیدگی می نماید. از دیگر سو با توجه به معیارهای تفکیک صلاحیت ذاتی (از حیث صنف، نوع و درجه) اصولاً «دادگاه عمومی حقوقی»^۳ به دادخواست تقدیمی از سوی خواهان رسیدگی می نماید. با توجه به تصویب قانون شوراها در سال ۱۴۰۲ و پیش بینی دادگاه صلح در این قانون، با توجه به نصاب های مندرج در این قانون (که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد) حسب مورد ممکن است دادگاه عمومی حقوقی یا دادگاه صلح، برای رسیدگی به دعوی مطروحه صلاحیت داشته باشد. علاوه بر مرجع صالح از حیث ذاتی، موضوع مهم و کاربردی دیگر، مقوله «صلاحیت محلی» است. در حقیقت، خواهان در زمان تقدیم دادخواست باید به این پرسش پاسخ دهد که با فرض صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی (یا دادگاه صلح) از میان تمامی دادگاه های موجود در سراسر کشور، کدام دادگاه صالح به رسیدگی است؟ برای یافتن پاسخ می بایست علاوه بر مقررات پراکنده موجود در قوانین متفرقه، به قواعد ناظر به تعیین صلاحیت محاکم که در مواد ۱۰ الی ۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی منصوص گردیده، توجه نمود. مواردی که خواهان و خوانده مقیم دو دادگاه در دو حوزه قضایی متفاوت باشند، بحث صلاحیت محلی اهمیتی مضاعف دارد. در حقیقت در مورد صلاحیت محلی می بایست به این پرسش ها پاسخ داد: (۱) آیا دادگاه محل اقامت خواهان، صالح به رسیدگی است یا دادگاه محل اقامت خوانده؟ (۲) آیا ممکن است دادگاه سومی (نه محل اقامت خواهان و نه خوانده) صالح به رسیدگی باشد؟ (۳) آیا خواهان مختار است از بین چند دادگاه صالح، یکی را انتخاب نماید؟ و با توجه به پرسش های مزبور در نهایت به این پرسش اساسی پاسخ داد که، مصلحت خواهان در این است که کدام دادگاه به دعوا رسیدگی نماید؟

۱- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، جلد نخست، انتشارات دراک، تهران، ۱۳۹۳، صص ۳۶۲-۳۶۶.
 ۲- اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه ها و تعیین صلاحیت آن ها منوط به حکم قانون است.
 ۳- در بحث حاضر هر جا سخن از دادگاه عمومی حقوقی به میان آمده، دادگاه صلح نیز با توجه به نصاب های مندرج در قانون شورای حل اختلاف ممکن است صالح به رسیدگی باشد.

شماره دادنامه: تاریخ تنظیم: شماره پرونده: شماره بایگانی شعبه:	«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَعْدِلُوا» شعبه دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید باهنر تهران دادنامه	 دادگستری کل استان تهران
<p>پرونده کلاسه شعبه دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید باهنر تهران. تصمیم نهایی شماره</p> <p>خواهان: خانم غزل با وکالت آقای فرزند به نشانی استان تهران خواندگان: ۱. خانم شقایق، ۲. خانم شهین، به نشانی تهران، ۳. ثبت احوال منطقه تهران</p> <p>خواسته: ابطال شناسنامه</p> <p>گردش کار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت مقرر/ فوق العاده دادگاه به تصدی امضاکننده زیر تشکیل است و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رای می نماید.</p> <p style="text-align: center;">«رای دادگاه»</p> <p>در خصوص دعوا غزل با وکالت به طرفیت شقایق و شهین و ثبت احوال منطقه تهران نظر به ملاحظه مدارک و مستندات تقدیمی خاصه لایحه اداره ثبت احوال از آنجا که رسیدگی به امر تنازع مطابق با بند ۴ ماده ۳ قانون ثبت احوال در صلاحیت هیئت حل اختلاف اداره ثبت احوال بوده لهندا مستنداً به بند ۱ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوا مطروحه صادر و اعلام رای صادره ظرف مهلت بیست روز قابل طرح و رسیدگی در محاکم تجدیدنظر استان است.</p>		
<p style="text-align: center;">تصویر برابر با اصل است. نشانی: تهران. فلکه چهارم تهرانپارس - مجتمع قضایی شهید باهنر</p>		

۴. جدول دعاوی در صلاحیت دادگاه صلح

متعاقب تصویب قانون شوراهاى حل اختلاف جدول موضوعاتی که در صلاحیت دادگاه صلح قرار دارد نیز منتشر گردید که به شرح ذیل قابل ملاحظه است.

کد	مالی/غیرمالی	عنوان
۲	مالی	مطالبه خسارت
۳	مالی	الزام به تنظیم سند خودرو
۴	مالی	الزام به تنظیم سند رسمی ملک
۵	مالی	الزام به تنظیم سند رسمی امتیاز تلفن
۶	مالی	الزام به تنظیم سند رسمی کشتی
۸	مالی	سایر دعاوی مالی غیرمنقول
۹	مالی	ابطال سهم شرکت
۱۱	مالی	ابطال صورت جلسه افزایش سرمایه
۱۲	مالی	(استرداد مال) منقول
۱۴	غیرمالی	تعدیل اجاره بها
۱۵	مالی	خلع ید
۱۶	مالی	مطالبه اجرت المثل اموال
۱۷	مالی	مطالبه اجور معوقه
۱۸	مالی	مطالبه سهم الارث
۲۰	مالی	(استرداد سند) مالی
۲۲	مالی	مطالبه سهم شرکت
۲۴	مالی	الزام به ایفای تعهد (مالی) مبنی بر
۲۵	مالی	مطالبه ارز خارجی
۲۸	مالی	اعتراض به ثبت

ثانیاً- خواهانی که فاقد ادله از پیش تهیه شده باشد، علاوه بر ادله اتفاقی موجود در زمان تقدیم دادخواست، می تواند به دلایلی نیز بیندیشد که حین رسیدگی می تواند کسب نماید. به عنوان مثال، خواهانی که فاقد دلایل متقن برای اثبات ادعای خود باشد می تواند با دوراندیشی، از خواننده در جلسه رسیدگی اقراری اخذ نماید، ادعای خود را با درخواست ارجاع امر به کارشناس اثبات نموده، با طرح پرسش هایی که از قبل بدان اندیشیده، خواننده را غافلگیر نماید و یا به اتیان سوگند تمسک جوید. آنچه تجربه نگارنده گواهی می دهد آن است که در اظهارنامه، دادخواست، لایحه و صحبت های اصحاب دعوا در جلسه رسیدگی می توان روی یافتن ادله ای اتفاقی حساب نمود. در مقابل، خواهان در نگارش دادخواست می بایست نهایت احتیاط را به کار برد. چرا که اقرار ضمن آن، معمولاً اقرار رسمی تلقی شده و به معنای آن است که دلیلی را در اختیار طرف مقابل قرار داده و آثار زیان بار غیرقابل جبرانی برای او به همراه خواهد داشت. به عنوان نمونه می توان به دادخواست ذیل اشاره نمود. (ن.ک دادخواست شماره ۳)

مشخصات	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت: شهرستان/بخش دهستان خیابان کوچه پلاک
خواهان	محمود			آزاد	تهران
خواننده	کیوان			آزاد	تهران
وکیل/ نماینده حقوقی	فاطمه			وکیل دادگستری	تهران
خواسته	تایید فسخ قرارداد (مالی) اعلام وقوع فسخ قرارداد بیع شماره مقوم به ۲۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال ارزش منطقه ای ملک ۹۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال اثبات وقوع بیع (اثبات وقوع فسخ بیع به لحاظ تحقق خیار غبن الفحش با جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری) مقوم به ۲۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال مطالبه خسارت دادرسی				
دلایل و منضمات	۱- وکالتنامه به شماره ۲- مبایعه نامه مورخ ۳- پلاک ثبتی به شماره				

۱- مهارت گوش دادن موثر در این موضوع بسیار مهم است و به همین دلیل توصیه می شود که دو وکیل در جلسه رسیدگی حاضر شوند تا بتوان جلسه را مدیریت کرده و یکی از آن ها به دفاع پرداخته و دیگری با دقت در جزئیات و جستجوی ادله اتفاقی، جریان دعوا را به سمت پیروزی موکل ببرد.

بخش دوم

نکات کلیدی در زمان تنظیم دادخواست

(تعیین نقشه راه)

صدور قرار دادخواست توسط مدیر دفتر (قرار رد دفتر) است (ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی^۱). ایرادات مزبور ناظر به دادخواست بوده و ضمانت اجراهای پیش بینی شده در قانون در مورد آن اعمال می گردد. در نتیجه در صورتی که یکی از مصادیق فوق محقق نشده باشد، دادخواست خواهان فاقد ایراد می باشد و اصطلاحاً ایرادی به دادخواست وارد نیست. با این حال برای آن که دعوی مطروحه فاقد ایراد شکلی باشد و باقراریهایی مانند عدم استماع یا قرار رد مواجه نگردد، در مورد خواهان، خوانده و خواسته باید نکاتی رعایت گردد. در غیر این صورت اساساً دادگاه وارد در ماهیت دعوا نخواهد شد و به علت ایراد شکلی، پرونده را با قرار، مختومه خواهد کرد. در بخش حاضر نکات ناظر به این امر مورد مطالعه قرار گرفته است.

فصل دوم: خواهان (آغازگر نبرد)

از حیث ترتیب قرار گرفتن بخش های دادخواست، اولین ستون (ردیف) دادخواست، مربوط به «خواهان» است. خواهان، آغازگر نبرد است. کسی که با ثبت و تقدیم دادخواست، در شیپور جنگ دمیده و خوانده را به رویارویی فرا خوانده است. تعیین خواهان و ویژگی هایی که باید چنین شخصی داشته باشد، دعوی که در آن خواهان چند شخص هستند و مواردی از این دست؛ از حیث آیینی، مستلزم بررسی جوانب موضوع است که چنین مطالبی در فصل حاضر مورد مطالعه قرار گرفته است.

گفتار نخست: تعریف، شناسایی و ویژگی های خواهان

در گفتار حاضر ابتدا خواهان تعریف گردیده و پس از آن روش شناسایی او مشخص شده و در نهایت نیز ویژگی هایی که خواهان باید از حیث قانونی دارا باشد مورد مطالعه قرار گرفته است.

بند نخست: تعریف خواهان

خواهان، شخصی است که با تقدیم دادخواست به دادگاه مدعی شده حق وی تضییع شده است. در واقع خواهان کسی است که با تقدیم دادخواست به دادگاه، مدعی انکار حق، تضییع حق یا خواستار شناسایی وضعیتی خاص (مانند حکم حجر یا ورشکستگی) می باشد. از نظر عملی مقطع تنظیم و

۱- ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی: در موارد یاد شده در ماده قبل، مدیر دفتر دادگاه ظرف دو روز نقایص دادخواست را به طور کتبی و مفصل به خواهان اطلاع داده و از تاریخ ابلاغ به مدت ده روز به او مهلت می دهد تا نقایص را رفع نماید. چنانچه در مهلت مقرر اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قراری که مدیر دفتر و در غیبت مشارالیه، جانشین او صادر می کند، رد می گردد. این قرار به خواهان ابلاغ می شود و نامبرده می تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به همان دادگاه شکایت نماید. رای دادگاه در این خصوص قطعی است.

 <p style="text-align: center;">سامانه خدمات الکترونیک قضایی لایحه خدمات قضایی</p>	<p>بسمه تعالی</p> <p>شماره پرونده: ۱۴۰</p> <p>شماره بایگانی: ۰۱۰۱</p>	<p>تاریخ تقدیم: ۲ / ۱۱ / ۱۴۰۱</p> <p>کدرهگیری: ۱۴۰۱۲</p> <p>پوست: ۵ برگ</p>
<p>نام و واحد</p>	<p>نام خانوادگی</p>	<p>نام پدر</p>
<p>موضوع لایحه</p>		<p>۱ لایحه دفاعیه</p>
<p>منضمات</p>		<p>۱ وکالت نامه به شماره</p>
<p>ریاست محترم و مستشاران معزز دادگاه تجدیدنظر استان تهران</p>		
<p>باسلام و عرض ادب، احتراماً در مقام پاسخ به تجدیدنظرخواهی خانم زهرا نسبت به دادنامه شماره ۱۴۰۱ / ۱۴۰۱ / ۱۴۰۱ از سوی شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران ضمن تقدیم یک نسخه وکالتنامه الکترونیک پوست و معرفی خود به عنوان وکیل آقای صلاح (احدی از تجدیدنظرخوانندگان) مراتب ذیل را به وکالت از نامبرده به استحضار رسانده، استدعای بذل عنایت و اتخاذ تصمیم مقتضی دارم.</p>		
<p>بخش نخست: ایرادات شکلی بر دادخواست تجدیدنظرخواه</p>		
<p>۱. همانگونه که در جلسه رسیدگی بیان شده، تجدیدنظرخواه مدعی است خودروی موضوع دعوی را به شخص ثالثی منتقل نموده است. با این اوصاف ایشان خود اقرار دارد که مالکیتی بر مبیع نداشته و بر فرض محال که اعتراض ثالثی قابل طرح باشد از سوی مالک فعلی و نه ایشان متصور است. لذا نامبرده ذینفع در دعوی حاضر نبوده و مستنداً به ماده ۸۹ ناظر به بند ۱۰ ماده ۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی دعوی ایشان مردود است.</p>		
<p>۲. دعوی ابطال مبیعهنامه صوری یک دعوی تمام عیار بوده و نیازمند تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی است. بدیهی است مطابق اصل صحت و لزوم قراردادهای (مواد ۲۱۹ و ۲۲۲ قانون مدنی) به صرف اعلام و بدون ارائه هیچگونه ادله‌ای نمی‌توان صحت قراردادی که دارای شرایط اساسی صحت معاملات (وفق ماده ۱۹۰ قانون مدنی) است را زیر سوال برد. در مانحن‌فیه تجدیدنظرخواه نه تنها دعوایی در این خصوص طرح ننموده بلکه برای ادعای صوری بودن نیز دلیلی ارائه نکرده است. بی‌نیاز از توضیح است که وفق ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی و قاعده «البینه علی المدعی» ادعای بدون دلیل محکوم به رد است.</p>		
<p>بخش دوم: دفاع ماهوی</p>		
<p>۱. تجدیدنظرخواه از یکسو مدعی شده مبیعهنامه موکل جعلی بوده و در این خصوص به اصالت سند ایراد نموده و از سوی دیگر وارد ماهیت گردیده و مواردی از قبیل صوری بودن قرارداد، عدم رعایت قوربت در فسخ و غیره را مطرح نموده است. همانگونه که قضات محترم محکمه تجدیدنظر استحضار دارند با طرح دفاع ماهوی به صورت همزمان با تعرض به اصالت سند سبب می‌گردد دادگاه بدون توجه به دفاع شکلی صرفاً دفاع ماهوی ارائه شده را مورد بررسی قرار دهد و تعرض به شکل سند در چنین فرضی قابل رسیدگی نخواهد بود. به عبارت دقیقتر مطابق قسمت اخیر ماده ۲۲۸ قانون فوق‌الاشعار «چنانچه نسبت به اصالت سند همراه با دعوی پرداخت وجه یا انجام تعهد تعرض شود فقط به ادعای پرداخت وجه یا انجام تعهد رسیدگی خواهد شد و تعرض به اصالت سند قابل رسیدگی نمی‌باشد.» در مانحن‌فیه که تجدیدنظرخواه وارد ماهیت شده و نیز بنا به جهات پیش گفته اعتراض</p>		

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

صفحه اصلی | آگهی های قانونی | قوانین و مقررات | مشروع مذاکرات مجلس | اشتراك | فروشگاه | درباره ما | ارتباط با ما | ورود

جزئیات آگهی

شماره پیگیری: ۰۰۰۰۰۷۶۶۱۳۶۶۸
 نام شرکت: بانک انصار
 شماره روزنامه: ۲۲۴۴۳ تهران
 تعداد نوبت انتشار: ۱

شماره نامه: ۱۴۰۰۳۰۴۰۰۹۱۱۶۷۵۴
 شناسه ملی شرکت: ۱۰۳۲۰۴۵۵۴۳۰
 تاریخ روزنامه: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

تاریخ نامه: ۱۴۰۰/۱۰/۰۷
 شماره ثبت: ۳۷۴۵۲۸
 شماره صفحه روزنامه: ۳۴

عنوان آگهی: آگهی تغییرات شرکت بانک انصار شرکت سهامی عام به شماره ثبت ۳۷۴۵۲۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۵۵۴۳۰

متن آگهی:
 آگهی تغییرات بانک انصار شرکت سهامی عام به شماره ثبت ۳۷۴۵۲۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۵۵۴۳۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۳۰ بانک انصار شرکت سهامی عام در بانک سوه به شماره ثبت ۴۴۹۳ شرکت سهامی عام به شناسه ملی ۰۸۶۶۰۴۷۳۳۰ اعلام و منحل شد و مطابق قوانین جاری اهلیاری به ختم تصفیه ندارد.

صادر کننده آگهی: اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران

دانلود فایل آگهی

همانگونه که در دادنامه ذیل قابل مشاهده است، عدم توجه خواهان به این نکته سبب گردیده دعوی وی پیش از ورود در ماهیت با ایراد شکلی مواجه شده و قرار عدم استماع آن صادر گردد. (ن.ک. دادنامه شماره ۲۵)

شماره دادنامه:

تاریخ تنظیم:

شماره پرونده:

شماره بایگانی شعبه:

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شعبه دادگاه عمومی حقوقی استان تهران

مجتمع قضایی شهید صدر

دادنامه



دادگستری کل استان تهران

پرونده کلاسه... شعبه دادگاه عمومی حقوقی تهران. تصمیم نهایی شماره ... خواهان: خانم مولود ... فرزند ... به نشانی تهران ... با وکالت آقای وحید... فرزند... به نشانی تهران ... و خانم مهشید ... فرزند ... به نشانی تهران ...

خواننده: بانک انصار با وکالت آقای علی ... فرزند ... به نشانی استان تهران - ...

خواسته ها

۱ اعلام بطلان معامله

۲ مطالبه خسارت دادرسی

گردشکار: در این پرونده خانم مولود ... فرزند ... با وکالت خانم مهشید ... فرزند ... و آقای وحید ... در تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۸ دادخواستی به طرفیت بانک انصار به خواسته اعلام بطلان معامله موضوع مبایعه نامه مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۳۱ تنظیمی بین خواهان و خوانده به علت صوری بودن مبایعه نامه و فقدان قصد و اراده انشایی جهت انعقاد عقد بیع، متضمن بطلان قرارداد مذکور با احتساب کلیه خسارات قانونی اعم از هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل تقدیم می نماید. پس از تشکیل جلسه دادرسی در دادگاه و استماع دفاعیات طرفین و محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل اقدام به صدور رای می نماید.

گفتار چهارم: اصل احتیاط در فراخواندن اشخاص به دادرسی و استثنائات آن (تئوری برخورد با دشمنان فرضی و احتمالی)

بند نخست: اصل احتیاط در فراخواندن اشخاص به دادرسی

خواننده شخصی است که حق مورد ادعای خواهان متوجه اوست و معمولاً شناسایی وی با چالشی مواجه نیست. با این وجود، به عللی ممکن است خواهان در شناسایی خواننده یا خوانندگان مردد شده و یا در تشخیص ایشان دچار اشتباه گردد. علت این امر را می‌توان در پیچیدگی روابط حقوقی، بویژه در روابطی که بیش از دو شخص درگیر آن هستند جست. به عنوان مثال در فرضی که حق خواهان ناشی از قراردادی است که در آن تعهد به فعل ثالث شده، و ثالث از ایفای تعهد خودداری نموده، بسته به اوضاع و احوال هر پرونده ممکن است این پرسش طرح گردد که آیا باید شخص ثالث طرف دعوا قرار گیرد یا طرف قرارداد یا هر دو؟ مضاف بر آن، بعضاً الزامات آئینی ایجاب می‌نماید شخصی به دادرسی دعوت گردد که حق اصلی متوجه او نیست. به عنوان مثال در دعوای الزام به تنظیم سند رسمی طرح شده از سوی خریدار نهایی، در موردی که ملکی چندین نوبت با مبیعه‌نامه مورد نقل و انتقال قرار گرفته، در نهایت خواسته خواهان متوجه یک شخص (مالک رسمی) است. لذا مطابق قواعد، فروشنده نهایی که ملک را به خریدار فروخته و همچنین مالک رسمی پلاک ثبتی می‌بایست طرف دعوا قرار گیرند. اما سایر ایادی واسطه‌چطور؟ آیا طرح دعوا به طرفیت ایشان ضروری است؟ در پاسخ باید به این امر توجه داشت که هرچند در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۴۳۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۳ اداره حقوقی قوه قضائیه^۱ به طور ضمنی بیان شده، نیازی به طرف دعوا قرار دادن ایادی واسطه وجود ندارد، ولیکن در رویه قضایی، در غالب موارد جهت احراز انتقال صحیح ملک به خواهان، ایادی واسطه نیز می‌بایست به دادرسی فرا خوانده شوند. در نتیجه خواننده، یا شخصی است که حق ادعایی خواهان متوجه اوست یا از منظر مقررات

۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۴۳۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: در خصوص کفایت طرف دعوا قرار دادن شخصی که سند رسمی به نام وی است در دعوای الزام به تنظیم سند رسمی: استعمال: در دعوای الزام به تنظیم سند رسمی، چنانچه خواهان یکی از ایادی متعدد ماقبل را در ردیف خوانندگان قید نکند، اما مالک ثبتی را طرف دعوا قرار دهد، آیا دعوا به کیفیت مطروحه قابلیت استماع دارد؟ نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه: دعوای الزام به تنظیم سند رسمی باید لزوماً به طرفیت شخصی صورت پذیرد که سند رسمی به نام وی است؛ اما در خصوص دیگر ایادی که در نقل و انتقال ملک یا مال به عنوان فروشنده نقش داشته‌اند، با توجه به نسبی بودن اثر احکام، ضرورتی به طرح دعوا به طرفیت آن‌ها از سوی خریدار نهایی نیست؛ مگر اینکه خریدار بخواهد از طرف قرار دادن آنها برای خود، حقی قایل و از آن استفاده کند. بنا به مراتب فوق در فرض سؤال موجبی برای عدم استماع دعوا وجود ندارد.

به سایر اشخاص حقوقی حقوق خصوصی نیز تسری یافت. نتیجه آن که امروزه اشخاص حقوقی حقوق خصوصی نیز برای حضور در فرایند رسیدگی قضایی، نیازی به استفاده از وکیل دادگستری به عنوان نماینده قانونی (به معنای عام) نداشته و می‌توانند نماینده حقوقی (که ممکن است وکیل دادگستری نباشد) را در پرونده معرفی نمایند. در همین راستا بخشنامه‌ای از سوی معاون خدمات الکترونیک قضایی مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه در تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ خطاب به مدیرعامل کانون دفاتر خدمات قضایی ابلاغ گردید که تصویر آن ذیلاً قابل مشاهده است.

تاریخ: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵
شماره: ۹۰۰۰/۳۱۳۵۶/۵۵۰
پوست: ندارد



قوه قضائیه
مرکز آمار و فناوری اطلاعات

جناب آقای سلطانی

مدیر عامل محترم کانون دفاتر خدمات الکترونیک قضایی

با سلام و احترام

بازگشت به نامه شماره ۱۴۰۲/۲۲/۶۳۹۲۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۰ در خصوص معرفی نماینده حقوقی برای شرکت‌های خصوصی به اطلاع می‌رساند؛ طبق بند (ب) ماده ۲۰ قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها مصوب ۱۴۰۲/۱۲/۲۲ و ماده ۱۵ قانون جهش تولید دانش بنیان مصوب ۱۴۰۲/۰۲/۰۱ کلیه اشخاص حقوقی خصوصی می‌توانند مانند اشخاص حقوقی دولتی از طریق معرفی نماینده‌های حقوقی در مراجع قضایی اقامه دعوا نمایند، مراتب جهت بهره‌برداری ایفاد می‌گردد.

محمدحسین آقایی
معاون خدمات الکترونیک قضایی

شماره ثبت: ۱۴۰۳/۳۳/۷۰۸۹۱
تاریخ ثبت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

- تبدیل اسناد اعتباری مذکور به ریال اقدام نمایند. دستورالعمل این بند توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و ابلاغ می‌گردد.

ب- در بندهای (۵) و (۶) ماده (۷) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران بعد از عبارت «تاسیس» عبارت «و فعالیت» اضافه و بند (۷) آن به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ۷- تصویب اساسنامه بهابازار (بورس) ها، کانون‌ها، نهادهای مالی و شرکت‌های سهامی عام ثبت شده نزد سازمان و الزام آن‌ها به تا اساسنامه‌های خود با آن

پ- مفاد ماده (۱۵) قانون جهش تولید دانش مصوب ۱۴۰۱/۰۲/۱۱ در مورد کلیه اشخاص حقوقی خصوصی از قبیل بنگاه‌ها یا اعضای هیات مدیره و مدیران عامل آن‌ها، در موضوعات مرتبط با همان موسسه، شرکت و بنگاه نیز لازم‌الاجرا خواهد بود.

به اتهام صدور چک بلامحل. انتخاب یکی از چهار روش مزبور، مستلزم بررسی جوانب متعددی است که در این مختصر نمی‌گنجد. مضاف بر آن صدور اجراییه مستقیم مستلزم آن است که در چک وصول وجه آن منوط به شرط نبوده و یا از باب تضمین صادر نشده باشد و... در این بخش جزئیات موضوع (از آنجا که خارج از بحث دادخواست نویسی بوده) به تفصیل بیان نگردیده و اشراف به آن مستلزم مطالعه کتب ناظر به این موضوع است. با این وجود برخی از تفاوت‌های دو روش نخست (دادخواست مطالبه وجه چک و درخواست صدور اجراییه موضوع ماده ۲۳ اصلاحی قانون صدور چک) بیان گردیده است.

استراتژی	دادخواست مطالبه وجه چک	درخواست اجراییه مستقیم
هزینه دادرسی	مالی (۳٫۵ درصد رقم چک)	هزینه اجرایی (حدود ۴۰۰٫۰۰۰ تومان)
خسارت تاخیر تادیه	قابل مطالبه مطالبه با اصل خواسته = عدم پرداخت هزینه دادرسی	غیرقابل مطالبه
ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی	قابل اعمال	قابل اعمال
زمان صدور اجراییه	پس از قطعی شدن حکم	بلافاصله پس از برگشت
تامین خواسته	امکان پذیر	عدم امکان
مسئولیت تضامنی	اصولاً نسبت به تمامی امضاکنندگان و صاحب حساب	صرفاً نسبت به صادرکننده و صاحب حساب

۳. الزام به تحویل مبیع - خلع ید

یکی از فروض دیگری که ممکن است به خواهان دعوا، امکان انتخاب میان یکی از دو دعوا را (دست‌کم در ظاهر امر) اعطاء نماید، موردی است که شخصی ملکی را خریداری نموده ولیکن به او تحویل نگردیده است. در چنین فروضی تعیین دعوای صحیح مستلزم مواردی از جمله وجود رابطه قراردادی میان طرفین و یا فقدان آن است. مضاف بر آن شناسایی متصرف ملک، برای تعیین استراتژی صحیح ضروری است. در حقیقت یکی از نکات مهم در تعیین استراتژی خواهان آن است که آیا ملک همچنان تحت تصرف فروشنده است و او از تحویل آن خودداری نموده و یا تحت تصرف شخص ثالثی است

بخش سوم

**نکات کلیدی پس از تنظیم دادخواست
(اقدامات لازم پس از شروع نبرد)**

اصولاً خواهان بعد از تقدیم دادخواست و یا پس از رفع نقص، باید در انتظار تعیین و ابلاغ وقت رسیدگی بوده و به لحاظ مبانی احتمالی دفاع خوانده، پاسخ خود را تدارک بیند. با این وجود ممکن است پیش از دفاع خوانده و حتی پیش از فرارسیدن جلسه رسیدگی، نیاز به انجام اصلاحاتی در دادخواست باشد. در عین حال ممکن است پس از شنیدن دفاع خوانده، خواهان ناگزیر از اعمال تغییراتی در خواسته شده، اشخاص جدیدی را به دادرسی دعوت نماید و ... مضاف بر آن در پرونده‌های کیفری، در مواردی برای شاکی این ظرفیت وجود دارد که با تقدیم دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم، «دعوی حقوقی» را در «دادگاه کیفری» طرح نماید. دعوی که تشریفات آن در مواردی مطابق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی بوده و در بخش‌هایی متفاوت از آن است. به همین دلیل شایسته است به صورت مجزا مورد بررسی قرار گیرد. با همین رویکرد، در بخش سوم از اثر حاضر، مطالب فوق مورد مطالعه قرار گرفته است.

فصل نخست: اصلاح دادخواست (عملیات ترمیمی)

ممکن است در جنگ میان متنازعین، پیش از آغاز نبرد یا پس از آن، به دلایلی، نقشه عملیات یا نحوه اجرای آن تغییر نماید. نبرد دادرسی نیز از همین قاعده تبعیت می‌نماید. ضرورت اعمال تغییرات ممکن است پیش از ارسال دادخواست به مرجع قضایی یا پس از آن، احساس شود. پس از ارسال دادخواست نیز ممکن است پیش از ارجاع پرونده به شعبه و یا پس از آن، نیاز به اصلاحات یا اقداماتی باشد که به لحاظ آغاز مناقشه، می‌توان آن را «عملیات ترمیمی» نامید. مطالب فصل حاضر به این موضوع اختصاص دارد.

گفتار نخست: اصلاح پیش از ارسال به مرجع قضایی (ترمیم پیشینی؛ اصلاح در مرکز فرماندهی)

پس از بازبینی مدارک و مستندات، این احتمال وجود دارد خواهان به این جمع‌بندی برسد که نیاز به اعمال تغییر در یکی از ستون‌های دادخواست (خوانده، خواسته و ...) وجود دارد یا در بخش‌هایی از شرح دادخواست (امور موضوعی و حکمی) انجام اصلاحاتی ضروری است. در چنین فرضی، از آنجا که هنوز دادخواست از طریق سامانه به مرجع قضایی ارسال نگردیده، امکان هرگونه دخل و تصرف در آن وجود دارد. با این وجود به عنوان چند قاعده کلی، عنایت به موارد ذیل ضروری است.

اولاً- راهبرد تعیینی از سوی خواهان (یا وکیل او) باید پیش از ارسال دادخواست، یک نوبت دیگر بررسی گردد. در حقیقت خواهان می‌بایست پیش از تقدیم دادخواست، در خصوص استراتژی انتخابی خویش تدقیق و تدبیر نماید. چرا که تغییر استراتژی در اثنای رسیدگی به پرونده، اگر نگوییم غیرممکن

ردیف	چک لیست	بله	خیر	ملاحظات
۱	بالحاظ قانون، خواهان کیست و آیا ویژگی های لازم برای طرح دعوا مثل نفع، سمت (در موارد لازم) و اهلیت را دارد؟			
۲	آیا از حیث ذاتی موضوع در صلاحیت دادگاه است؟ اگر چنین است از حیث محلی کدام دادگاه صالح است؟			
۳	در فرض اختیار خواهان در ارجاع پرونده به دادگاه صلح و یا دادگاه عمومی حقوقی، مصلحت خواهان ایجاب می کند در کدام دادگاه به ادعای او رسیدگی شود؟			
۴	در صورتی که از حیث محلی، چند دادگاه صالح به رسیدگی باشند، رسیدگی در کدام دادگاه منافع خواهان را به شکل بهتری تامین می نماید؟			
۵	آیا دعوا به خواننده توجه دارد؟			
۶	آیا از حیث مقررات آیینی، نیاز به دعوت اشخاص دیگری (غیر از خواننده اصلی) به دادرسی ضروری است؟			
۷	در فرض تقدیم دادخواست از سوی نماینده قانونی (به معنای عام) آیا سمت چنین شخصی محرز است؟ آیا مدارک مثبت سمت پیوست دادخواست گردیده؟			
۸	صدور حکم در اصل خواسته، نیاز به خواسته مقدماتی دارد یا خیر؟ اگر دارد، آیا مورد مطالبه قرار گرفته است؟			
۹	آیا برای هر امر موضوعی مورد ادعا، دلیل پیوست دادخواست گردیده و آیا دلیل ارائه شده، توان اثبات ادعای خواهان را دارد؟			
۱۰	آیا نیاز به اقدامات تامینی (دستور موقت و تامین خواسته) وجود دارد؟ اگر چنین است، آیا باید همراه با خواسته اصلی و ضمن یک دادخواست مورد مطالبه قرار گیرد یا در دو دادخواست مجزا؟			
۱۱	آیا نیاز به ارسال اظهارنامه وجود دارد یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است آیا جزو موارد اجباری است یا اختیاری؟			
۱۲	بودجه نبرد برای خواهان بالحاظ جوانب احتمالی (هزینه کارشناسی، خسارت احتمالی) چه میزان است و آیا خواهان توان پرداخت آن را دارد؟ چگونه می توان هزینه های ابتدایی خواهان را کاهش داد؟			
۱۳	راهبرد خواهان برای تنظیم دادخواست، دفاع باز است یا بسته؟ در شرح دادخواست به این موضوع توجه شده است یا خیر؟			
۱۴	آیا امور موضوعی ادعا شده در شرح دادخواست، تشکیل دهنده یک قضیه منطقی است که ضرورتاً منجر به نتیجه ای واحد گردد؟			
۱۵	آیا در تقدیم دادخواست به ملاحظات زمانی، ترمینولوژیک و اقتصادی توجه شده است؟			

برای مشاهده نکات عملی کیوآرکد ذیل را اسکن فرمایید.



دادبانان: پیوند آموزش و اشتغال



دادبانان در سال ۱۳۸۸، با مدیریت دکتر فرهاد بیات (مدرس و مولف کتب حقوقی)، به عنوان یکی از مؤسسات پیشرو در جذب و به کارگیری نخبگان و متخصصان در رشته حقوق با هدف ارائه خدمات حقوقی، تشکیل و راه اندازی گردید. علاوه بر ارائه خدمات آموزشی کاربردی و مهارت محور به عنوان خدمت اصلی مؤسسه، انتشار کتب حقوقی کاربردی، ارائه خدمات مشاوره، وکالت، داوری و عارضه یابی شرکت ها از دیگر خدمات دادبانان است. در راستای شعار دادبانان یعنی "پیوند آموزش و اشتغال"، صفحه ای تحت عنوان "فرصت های شغلی" در تارنمای دادبانان (dadbanan.com) راه اندازی شده و هر هفته حدود دویست فرصت شغلی به دانشجویان دادبانان معرفی می شود. همچنین دادبانان با برگزاری آزمون مشاور حقوقی برتر در هر سال، نفرت برتر را به شرکت های متقاضی معرفی و توصیه می نماید. دادبانان با تمرکز بر روی آموزش و انتشار کتب کاربردی در حوزه های مالی، اقتصادی و به ویژه حقوق کسب و کار (از جمله انتشار کتاب آنچه مشاور حقوقی از حقوق کسب و کار باید بداند) در تلاش است تا از یک سو به ارتقای جایگاه شغلی فارغ التحصیلان رشته حقوق کمک نماید و از سوی دیگر با پیاده سازی طرح عارضه یابی (مبتنی بر تجربه عملی شبکه متخصصان، مدرسان و مولفان دادبانان) به کاهش چالش های حقوقی بنگاه ها و شرکت های تجاری کمک نماید.

دادبانان به عنوان مرکز آموزش های حقوقی کاربردی، توجه ویژه ای به شناسایی نیازهای واقعی جامعه، آموزش های تخصصی و کاربردی متناسب با آن و جلب رضایت شما مخاطبان عزیز دارد.

دوره‌ها و فایل‌های مکمل مرتبط با کتاب از قلم تا محکمه

برای دسترسی به فایل‌ها و دوره‌های آموزشی تکمیلی کتاب از قلم تا محکمه کیو آر کد زیر را اسکن کنید یا وارد سایت دادبانان به نشانی زیر شوید:

Dadbanan.com



۱. کارگاه ریزه کاری‌های وکالتی در دعاوی خلع ید و الزام به تسلیم مبیع

۲. کارگاه تعیین خواسته

۳. کارگاه مجازی استراتژی دفاع مکتوب در جلسه رسیدگی

۴. نکات کاربردی در تنظیم دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی ملک

۵- نمونه دادخواست مطالبه ارزش خارجی



دوره‌های کاربردی آموزشگاه دادبانان دانا

۱	اصول قرارداد نویسی	۲۲	آموزش تنظیم قرارداد حق الوکاله و کار با سامانه خود کاربری وکلا
۲	حقوق شرکت های تجاری	۲۳	کارگاه جامع پرورش مشاور حقوقی
۳	حقوق مالیاتی	۲۴	کارگاه وکیل حرفه‌ای در دعاوی ملکی
۴	حقوق اسناد تجاری (چک)	۲۵	کارگاه وکیل حرفه‌ای (مهارت‌های بنیادین وکالت)
۵	حقوق کار	۲۶	کارگاه مشاور حقوقی تخصصی استارت‌آپ‌ها
۶	حقوق بیمه تأمین اجتماعی	۲۷	کارگاه مشاور حقوقی تخصصی بین‌المللی
۷	حقوق مالکیت فکری و تجارت الکترونیکی	۲۸	الزامات حقوقی راه اندازی استارت‌آپ‌ها
۸	دادرسی مالیاتی، بیمه و کار	۲۹	ابعاد حقوقی قراردادهای سرمایه‌گذاری استارت‌آپ‌ها
۹	دادخواست نویسی	۳۰	رویه قضائی در دعاوی استارت‌آپ‌ها
۱۰	لایحه نویسی و فن دفاع	۳۱	بایسته‌های یک مشاور بین‌المللی و زبان تخصصی
۱۱	داوری	۳۲	اصول مذاکره، مکاتبه و مدیریت پرونده
۱۲	دیوان عدالت اداری	۳۳	حقوق قراردادهای حل و فصل اختلافات
۱۳	پرونده خوانی	۳۴	حقوق بازرگانی
۱۴	حقوق اراضی و اصلاحات ارضی	۳۵	قراردادهای اجاره املاک تجاری
۱۵	دعاوی قراردادهای مشارکت در ساخت	۳۶	قراردادهای پیمانکاری
۱۶	مقررات شهرداری	۳۷	قراردادهای بین‌المللی
۱۷	دعاوی پرکاربرد ملکی	۳۸	دعاوی پرکاربرد قراردادی در رویه قضائی
۱۸	تغییر کاربری اراضی	۳۹	حقوق بانکی و بخشنامه‌های پرکاربرد
۱۹	حقوق ثبت املاک کاربردی	۴۰	حقوق گمرکی
۲۰	اجرای احکام و اسناد	۴۱	حقوق بازار سرمایه
۲۱	تعزیرات	۴۲	حقوق ارزی

اطلاعات تماس مؤسسه حقوقی دادبانان

وب سایت: www.dadbanan.com	دپارتمان آموزش و ثبت نام: ۲۵ ۲۵ ۴۵۰ ۰۹۱۰
تلگرام: dadbanandalawfirm	دپارتمان مشاوره حقوقی: ۳۷ ۸۰۱ ۲۲۵ - ۰۲۱
اینستاگرام: @dadbanan / @dadbananpub	دپارتمان انتشارات: ۷۸۹ ۵۰ ۵۰ ۰۹۹۱



حقوق قراردادها



آنچه مشاور حقوقی باید بداند



شرح جامع قانون مدنی



درسنامه جامع حقوق تجارت



کلیات حقوق مالیاتی



مالیات بر املاک و مستغلات
با رویکردی نظری و عملی



تکالیف مالیاتی
وکلای دادگستری



بایسته‌های حقوق ثبت املاک
در نظام حقوقی ایران



چک
نکات کاربردی از صدور تا پرداخت



آشنایی با قوانین و مقررات
سازمان تأمین اجتماعی در حوزه کارفرمایی



قراردادهای پیمانکاری
در پرتو مقررات کاربردی سازمان تأمین اجتماعی



بازرسی از دفاتر قانونی
در پرتو مقررات کاربردی سازمان تأمین اجتماعی



قراردادهای استارت‌آپی
با تأکید بر قراردادهای مالکیت فکری



شرح جامع قوانین و مقررات
شرکت‌های تعاونی



شرح جامع قانون حمایت از
مالکیت صنعتی



تخلفات و جرایم شغلی مالیاتی



مختصر جرم‌شناسی



ثبت املاک به روش خاص



فرهنگ واژگان حقوقی



ثبت شرکت‌ها در رویه عملی